

به نام پروردگار مهربان



ویرایش جدید



فارسی جامع

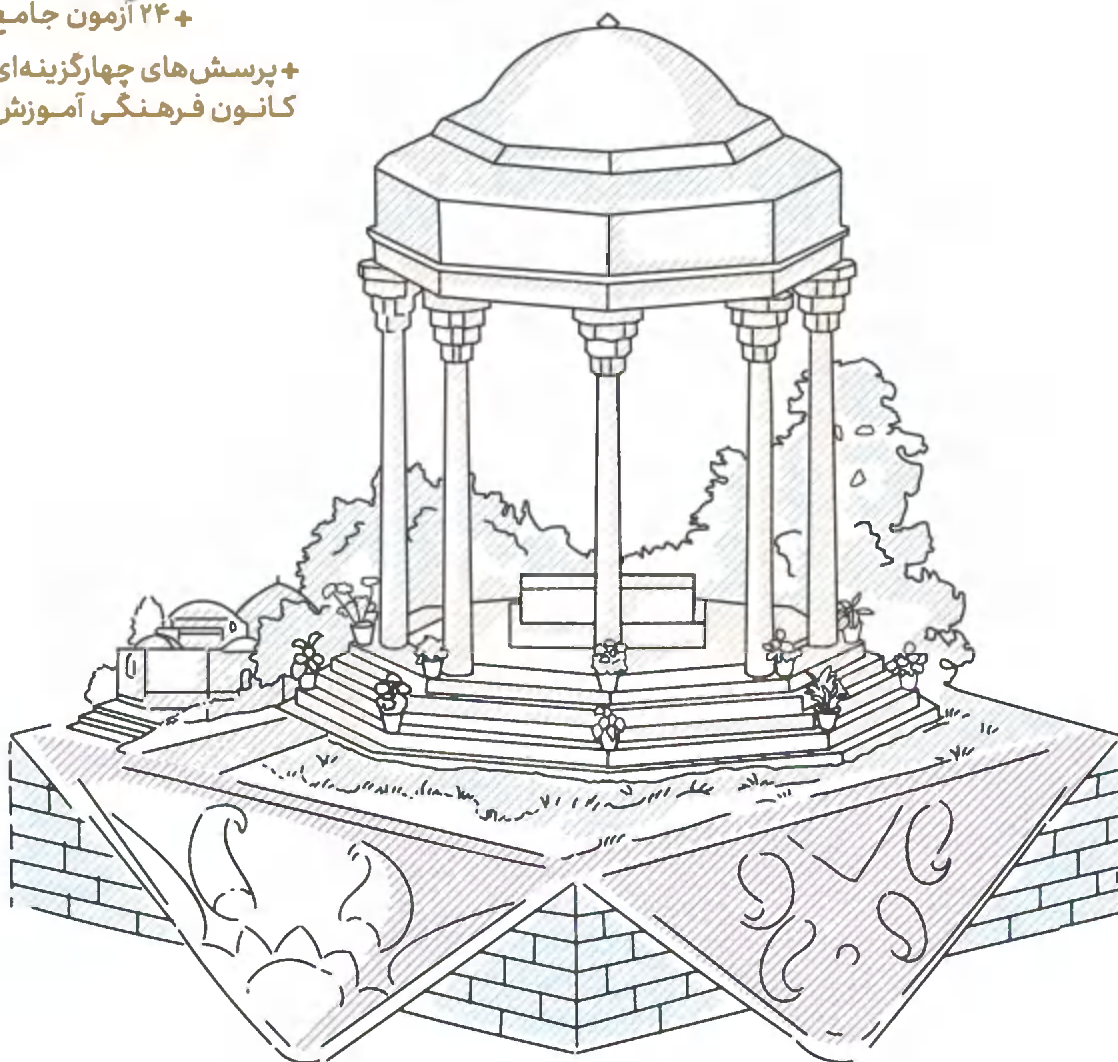
فارسی ۲، ۳ و ۴، یازدهم و دوازدهم

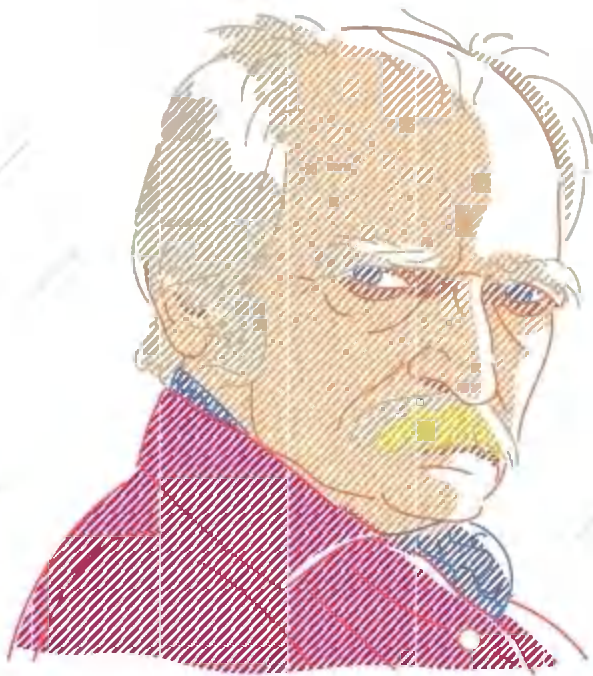
• شهریار قبادی • اسماعیل محمدزاده • سعید عنبرستانی

+ ۲۴ آزمون جامع

+ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

• کانون فرهنگی آموزش





مقدمه

چه آغازی برای این کتاب، زیباتر از چند سطر دلاویز از رمان بی‌بدیل کلیدر، به قلم استاد محمود دولت‌آبادی نازنین؛ این سطرها همه چیز دارند از ادبیات ناب گرفته تا حرف‌هایی از جنس عشق، تاریخ و ... خود ما؛ «کرانه‌ای به پهنای فرسنگ‌ها بر کویر. ابرویی زمخت بر نگاهی گداخته. کشیده شده از باختر افغان تا فراسوی یزد کهن. طاغزار. جنگل گونه‌ای گسسته، ناپیوسته. از تایباد بر می‌گذرد، طبس را در خود می‌گیرد، جنوب خراسان را می‌پیماید، بر بالا سر کاشمر و پناه کوه سرخ، دست و بازو به سوی یزد پیش می‌کشاند. جنگل کویری، بوته‌زار. گاه از خود واکنده می‌شود، پاره می‌شود، می‌گریزد، دور می‌شود و بار دیگر، در منزلی دیگر به خود می‌پیوندد؛ طاغی. طاغ درختی ست نه افراشته و سر به آسمان برداشته. کوتاه است و ریشه در ژرفاها دارد. گاه، بیش از بست پا، تا که ریشه به نم رساند، در دل خاک، بی‌امان فرو می‌دود. رمز ماندگاری طاغی در کویر، هم در این است. خشکسالی و بی‌آبی نابودش نمی‌تواند کرد. در کشمکش کویر و طاغی، طاغی فراز آمده است. طاغی توانسته است تن خویش در خاک خشک بنشانند و بماند. به پستی ریشه‌های کاونده و ژرف و رونده‌اش تاب توانسته بیاورد. اما به قد، درختان اگر یلان‌اند، طاغی، گرد است. کوتاه و در زمین کوفته. استخواندار و استوار. بی‌نیاز باران که ببارد یا نه. بر زمین و در زمین نشسته، یال بر خاک فشانده، با این همه خودسر و پر غرور، طاغی، عارفان خراسان را به یاد می‌آورد.»

رمان کلیدر - جلد اول

نقشه کتاب‌های درسی (ویژه کنکور ۱۴۰۱)

درس	فارسی ۳ (چاپ ۱۴۰۰)	فارسی ۲ (چاپ ۹۹)	فارسی ۱ (چاپ ۹۸)
ستایش	ملکا ذکر تو گویم	لطف خدا (به نام چاشنی بخش...)	به نام کردگار
۱	شکر نعمت . گمان	نیکی . همت	چشمه . خلاصه دانش ها
	استعاره / نقش دستوری	جناس / تشبیه / رابطه های معنایی	حسن آمیزی / مجاز / ترتیب اجزای جمله
۲	مست و هشیار . در مکتب حقایق	قاضی بُست . زاغ و کبک	از آموختن، ننگ مدار . دیوار
	مناظره / کاربرد معنایی فعل	مجهول و معلوم	حذف / زمان فعل
۳	آزادی / دفتر زمانه . خاکریز	در امواج سند . چو سرو پاش	پاسداری از حقیقت . دیوار عدل
	تلمیح / مجاز / حذف	چهارپاره / قید	شعر سپید / حسن تعلیل / گروه اسمی
۵	دماوندیه . جاسوسی که الاغ بودا	آغازگری تنها . تا غزل بعد...	بیداد ظالمان / همای رحمت
	حسن تعلیل / استعاره / ترکیب وصفی و اضافی	تشخیص / وابسته اسم: شاخص	استعاره
۶	نی نامه . آفتاب جمال حق	پرورده عشق . مردان واقعی	مهر و وفا . حُقه راز
	اسلوب معادله / نقش دستوری	مثنوی / شیوه عادی کلام	ابهام / جابه جایی ضمیر
۷	در حقیقت عشق . صبح ستاره باران	باران محبت . آفتاب حسن	جمال و کمال . بوی گل و ریحان ها
	تشبیه / سجع / جمله های مسندپذیر	استعاره / جایگاه همزه	سجع / واژه های دو تلفظی
۸	از پاریز تا پاریس . سه مرکب زندگی	درکوی عاشقان . چنان باش...	سفر به بصره . شبی در کاروان
	مثل / وابسته های وابسته ۱	واج آرایی / تضمین / نقش های تبعی	تشبیه / تحول معنایی / پسوند ک
۹	کویر / بوی جوی مولیان	ذوق لطیف . میثاق دوستی	کلاس نقاشی . پیرمرد چشم ما بود
	سفرنامه / حسب حال / وابسته های وابسته ۲	متناقض نما / سهل متنع / ترکیب وصفی	نوع واوه / نقش دستوری
۱۰	فصل شکوفایی . تیرانا	بانگ جَزَس . به یاد ۲۲ بهمن	دریادلان صف شکن . یک گام، فراتر
	تشخیص / تشبیه / نوع قولوه / مفعول	جناس / تعداد جمله	جمله مرکب
۱۱	آن شب عزیز . شکوه چشمان تو	یاران عاشق . صبح بی تو	خاک آزادگان . شیرزنان ایران
	فضاسازی / حسن آمیزی / ضمیر و مرجع آن	تشبیه / متناقض نما / صفت های بیانی	شیوه بلاغی / نهاد و گزاره
۱۲	گنر سیاوش از آتش . به جوانمردی کوش	کاوه دادخواه . کاردانی	رستم و اشکبوس . عامل و رعیت
	زمینه های حماسه / مجاز / تغییر معنا / معنایی	زمینه های حماسه / واژه در گنر زمان	اغراق / جمال / شبکه معنایی
۱۳	خوان هشتم . ای میهن!	ادبیات بومی	گردآفرید . دلبران و مردان ایران زمین
	لحن / نماد / گروه اسمی		حماسه / قافیه / مثل / تغییر شکل نوشتاری
۱۴	سی مرغ و سیمرغ . کلان تر و اولی تر	حمه حیدری . وطن	طوطی و بقال . ای رفیقا
	وجه شبه / تلمیح / نقش تبعی / ترتیب اجزا	اغراق / استعاره / گروه اسمی	تمثیل / جناس / نوع براه
۱۵	ادبیات بومی	کبوتر طوق دار . مهمان ناخوانده	ادبیات بومی
		استعاره / تشبیه / حذف شناسه	
۱۶	کباب غاز . ارمیا	قصه عینکم . دیدار	خسرو . طزاران
	کنایه / پیوند وابسته و هم پایه	عناصر داستان / وابسته های پسین	تضمین / نقیضه بردازی / هم آوا
۱۷	خنده تو . مسافر	خاموشی دریا . تجشتم عشق	سپیده دم . مزار شاعر
	نماد / نشانه گذاری	استعاره / مسند و قید / نوع قولوه	مراعات نظیر / ترکیب وصفی و اضافی
۱۸	عشق جاودانی . آخرین درس	خوان عدل . آذرباد	عظمت نگاه . سه پرسش
	استفهام انکاری / حذف فعل	مجاز / زمان و بن فعل	منادا / نقش دستوری
نیایش	لطف تو (الهی سینهای ده آتش افروز...)	الهی (الهی ز عصیان مرا پاک کن...)	الهی (به حرمت آن نام...)

فهرست

فارسی؛ سال دهم

۳۵۴	فصل اول: ادبیات تعلیمی آزمون آنلاین فصل اول	
۳۷۴	فصل دوم: ادبیات پایداری آزمون آنلاین فصل دوم	
۳۹۲	فصل سوم: ادبیات غنایی آزمون آنلاین فصل سوم	
۴۰۸	فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی آزمون آنلاین فصل چهارم	
۴۲۴	فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی آزمون آنلاین فصل پنجم	
۴۴۱	فصل ششم: ادبیات حماسی آزمون آنلاین فصل ششم	
۴۵۹	فصل هفتم: ادبیات داستانی آزمون آنلاین فصل هفتم	
۴۷۸	فصل هشتم: ادبیات جهان آزمون آنلاین فصل هشتم	

۴۹۳	پاسخنامه تشریحی
۵۸۶	بیت‌ها و عبارات‌های حفظی (کارگاه‌های متن‌پژوهی)
۵۹۱	سوالات کنکور ۱۴۰۰



برای دسترسی به آزمون‌های آنلاین فارسی جامع، رمزینۀ مقابل را اسکن کن. پاسخ بده، درصد بگیر، پیشرفت کن!

فارسی؛ سال دوازدهم

۱۳	فصل اول: ادبیات تعلیمی آزمون آنلاین فصل اول	
۳۶	فصل دوم: ادبیات پایداری آزمون آنلاین فصل دوم	
۵۳	فصل سوم: ادبیات غنایی آزمون آنلاین فصل سوم	
۷۹	فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی آزمون آنلاین فصل چهارم	
۱۰۳	فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی آزمون آنلاین فصل پنجم	
۱۲۱	فصل ششم: ادبیات حماسی آزمون آنلاین فصل ششم	
۱۴۴	فصل هفتم: ادبیات داستانی آزمون آنلاین فصل هفتم	
۱۷۱	فصل هشتم: ادبیات جهان آزمون آنلاین فصل هشتم	

فارسی؛ سال یازدهم

۱۹۴	فصل اول: ادبیات تعلیمی آزمون آنلاین فصل اول	
۲۱۴	فصل دوم: ادبیات پایداری آزمون آنلاین فصل دوم	
۲۳۲	فصل سوم: ادبیات غنایی آزمون آنلاین فصل سوم	
۲۵۲	فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی آزمون آنلاین فصل چهارم	
۲۷۲	فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی آزمون آنلاین فصل پنجم	
۲۹۰	فصل ششم: ادبیات حماسی آزمون آنلاین فصل ششم	
۳۱۴	فصل هفتم: ادبیات داستانی آزمون آنلاین فصل هفتم	
۳۳۴	فصل هشتم: ادبیات جهان آزمون آنلاین فصل هشتم	



فارسی ۳

محتسب مستی به ره دید و گریانش گرفت
مست گفت: ای دوست این پیراهن است افسار نیست
«پروین اعتصامی»

تعداد تست‌ها: ۱۰۸۹

واژه	املا	دستور	آرایه	قرابت معنایی	تاریخ ادبیات
۱۱۳	۱۱۱	۱۹۵	۱۸۰	۴۷۰	۲۰

بسته‌های آموزشی درس نهم کویر. بوی جوی مولیان

بسته واژگان (۱۳۴ واژه)

آستانه: آستان، آغاز	تلخیص: خلاصه، اجمال، اختصار * مترادف: غربت: دوری از وطن و شهر
آسفالت‌نشین: مرغه (کنایه)	مُجمل، ایجاز
آمو: رود جیحون	تلقی: دریافت، نگرش، تعبیر
ابدیت: جاودانگی، پایداری، بی‌کرانگی	تَموز: ماه دهم از سال رومیان، تقریباً مطابق با تیرماه سال شمسی: ماه گرما
ارادت: میل و خواست، اخلاص، علاقه و محبت همراه با احترام	تهویه: هوا دادن، عوض کردن هوای اتاق و محوطه
آزگ: قلعه کوچکی باشد که در میان قلعه‌های بزرگ سازند، * مترادف: قلعه، حصار	جوی مولیان: رودی و ناحیه‌ای مشهور در اطراف شهر بخارا بوده است.
استشمام: بوییدن	جیحون: نام رودی در خراسان قدیم
اسرا: در شب سیر کردن، هفدهمین سوره قرآن کریم	چشم پوشیدن: بی‌اعتنایی نمودن، نادیده انگاشتن، صرف نظر کردن * معنی دیگر: مردن (کنایه)
اندوه‌گسار: غم‌گسار، غمخوار * مصدر: گساریدن (پوشیدن)	چنگ: نوعی ساز، آلت موسیقی * معنی دیگر: پنجه دست
انگاره: طرح، نقشه	حد و حصر: حد و حساب
اهورایی: ایزدی، خدایی، منسوب به اهورا	حکمت: فلسفه، به‌ویژه فلسفه اسلامی * شکل جمع: حکم
ایل: گروهی از مردم هم‌نژاد که فرهنگ و اقتصاد مشترک دارند و معمولاً به‌صورت چادرنشینی زندگی می‌کنند. (ایل و تبار: خانواده، نژاد و اجداد)	حلقه به در کوفتن: گدایی، به سراغ کسی یا چیزی رفتن (کنایه)
ایلیخانی: منسوب به ایلیخان، نام سلسله‌ای از مغول‌ها	خط و خال انداختن: رشد کردن، بزرگ شدن (کنایه)
باب: در، دروازه * معنی دیگر: بخشی از کتاب، واحدی برای شمارش خانه و مفازه، باره، خصوص	خوشه بستن: کامل شدن رشد میوه (کنایه)
بال و پر گشودن: بسیار خوشحال شدن (کنایه)	خو گرفتن: انس گرفتن، الفت گرفتن
بخارا: شهری مشهور در ماوراءالنهر	دامن‌گستر: پهناور، گسترده و بزرگ
برخاستن: به منصب و جاه و مقام رسیدن (در اینجا: سیاحت شدن پیامبران)	دست‌ویاگیر: آنچه انسان به آن پابند شود، مقید (کنایه)
بطالت: بیکاری، بیهودگی، کاهلی	دلاویز: پندیده، خوب، زیبا
بلدرچین: نوعی پرنده است.	دیرین: دیرینه، کهن، کهنه، قدیم
بن: درختی خودرو و وحشی که در برخی نقاط کوهستانی ایران می‌روید، پسته وحشی	رکاب: حلقه‌مانندی است در دو طرف زین که به وقت سواری پای در آن کنند.
بهار خواب: اتاق یا ایوان برای خواب تابستان یا به رکاب گذاشتن: آماده سفر شدن (کنایه)	سر سیردن: تسلیم شدن، فرمان بردن * مترادف: مطیع شدن، منقاد شدن، متابعت کردن
پرنیان: پارچه ابریشمی دارای نقش و نگار، نوعی حریر	سَموم: باد بسیار گرم و زیان رساننده * شکل جمع: سمائم (سَموم: سیه‌ها، زهرها)
تاب: توانایی، طاقت، قوت، تحمل، پایداری	شاهین تیزبال: شاهین پرسرعت، تیز پرواز
* معنی دیگر: گرما	شیدر: گیاهی علفی و یکساله
تبعید کردن: دور کردن از محل زندگی و تولد	شیدر دوچین: شیدری که قابلیت آن را دارد دو بار پس از رویدن چیده شده باشد.
تصدیق: در این درس منظور مدرک تحصیلی است.	شوکت: قوت، هیبت * مترادف: جاه، فر و شکوه
* معنی دیگر: راست پنداشتن	شیهه: صدا و آواز اسب
تعبیر: بیان کردن، شرح دادن، بازگویی	طُفیلی: منسوب به طفیل، وابسته، آن که وجودش با حضورش در جایی، وابسته به وجود کس یا چیز دیگری است: میهمان ناخوانده
تفرج‌سگاه: گردشگاه، جای تفریح، تماشگاه	عدلیه: دادگستری
* مترادف: نزهتگاه	عزیمت: رفتن
تفنگ خفیف: تفنگ سبک و کوچک	عشق‌آباد: پایتخت کشور ترکمنستان، نام روستایی در نیشابور
تقوا: پرهیزکاری و ترس از خدا	عشیره: قبیله، طایفه، قوم و خویش
تکایو: جست‌وجوی بسیار	عِلم عدد بین: علم مادی، علمی که فقط به عدد و ارقام توجه می‌کند.
تکبیراً الاحرام: اولین تکبیر نماز که بعد از آن سخن گفتن یا عملی غیر از اعمال نماز را به جای آوردن حرام است.	
تلاؤ: درخشندگی، فروزش	

غرفه: بالاخانه، هر یک از اتاق‌های کوچکی که در بسالای اطراف سالن یا یک محوطه می‌سازند که مشرف بر محوطه است. * مترادف: حجره

غنی: توانگر * شکل جمع: اغنیا

فخر: نازیدن، بالیدن * مترادف: مباهات

فقه: علم احکام شرعی، علمی است که از فروع عملی احکام شرع بحث می‌کند. مبنای این علم بر استنباط احکام است از کتاب و سنت و به سبب همین استنباط، محل اجتهاد است.

قاش: قاج، قسمت برآمده جلوی زین: کوهه زین

قدس: پاکی، صفا، قداست * هم‌خانواده: قدیس

قندیل: چراغ یا چهل چراغی که می‌آویزند

کاه‌کش: فقیر و زحمتکش (کنایه)

کبک‌دزی: کبک درباری (شاهانه) یا کبکی که در دژه زندگی می‌کند.

گُرنده: اسبی که رنگ آن میان زرد و بور باشد.

گمانه: نام کوهی در منطقه ونک از توابع شهرستان سمیرم استان اصفهان

گنج: زاویه، گوشه * گنجی پناه برهن: کنایه از گوشه‌نشینی و انزواطلبی

گهر: اسب یا استری که به رنگ سرخ تیره است.

گُرده: میان دو کتف، بالای کمر

گرمسیر: منطقه‌ای که تابستان‌های بسیار گرم و زمستان‌های معتدل دارد: مقابل سردسیر

گلدسته: مناره بلند مساجد برای اذان گفتن

* مترادف: مأذنه

گل‌های العاس: ستارگان (استعاره)

گیرودار: بجهوحه، گیراگیر، هنگامه * مترادف: حبص و بیص

ماورا: فراسو، آن سو، ماسوا، برتر

ماوراءالطبیعه: آنچه فراتر از عالم طبیعت و ماده باشد: مانند خداوند، روح و مانند آن‌ها

مباهات: افتخار، سرافرازی

محبوس: زندانی، در حبس، بازداشت شده

محصور: احاطه کرده شده، محاصره شده

مَدفون: پنهان شده، به زمین سپرده

مدهوش: بیهوش، مست، حیران

مَنرس: محلی که در آن تدریس کنند: موضع درس گفتن

مرغان العاس: پر: ستاره‌ها (استعاره)

مزینان: دهستان مزینان با قدمت هزاران ساله‌اش، از توابع شهرستان داورزن در خراسان رضوی است که خاستگاه خاندان بزرگ شریعتی است.

مشایعت: همراهی کردن، بدرقه کردن

مصلحت‌اندیش: حسابگر

پیسلاقی: جایی که در تابستان تکی گزینند
سردسیر، جای تابستانی

مطلق: اویزان، اویخته شده
ملاحت کردن: سرزنش کردن + مترادف: شماتت کردن
منقلب: دگرگون، شوریده، متحول، آشفته
مواهب: بخشش‌ها، موهبت‌ها + مترادف: دهش‌ها،
عطا یا + شکل مفرد: موهبت
نشئه: حالت سرخوشی، کیفوری، سرمستی
نظاره: تماشا کردن، نگاه، نگریستن
یغما: غارت، تاراج (به یغما رفتن: غارت شدن)

بسته‌املا



مشابهت کردن: همراهی کردن (تشیب)
حوزه ادبی: قلمرو ادبی (حوزه قضایی) + هم‌آورد
حوزه (آبریز)
معضر اسرار: جای ثبت رازها (خسوف / سی)
غرفه‌های مسجد: اتاق‌های مسجد
حلقوم چاه: گلوی چاه
غربت زندان: غریب بودن در زندان (غربت: دوری از وطن) + هم‌آورد: قربت (نزدیکی)
سوم سرد: باد گرم کشته سرد
صخره محکم: تخته سنگ محکم + مشابه: سخره (ریختن)
اسرا و گردش: هم‌معنی هستند (سیر، سیار)
تلائف پرشکوه: درختندگی پرشکوه (مترقی)
قتدیل پروین: چراغدان پروین + شکل جمع: قنادیل
نشنه‌های سرشار: لذت‌های بسیار (نشگی)
صفای لهرایی: پاک‌ی خدایی (ممنای)
تکبیرة الاحرام: اولین تکبیر نماز (حرام) + مشابه: عظمت (بزرگی)
اعرام (هرم‌ها)
شبهه اسب: صدای اسب (شبهه زن)
فاش زین: برآمدگی زین اسب + مشابه: غاشبه (رویش زین)
درخت بلوط: نوعی درخت
مصیبت و بلا: مهم‌معنی هستند + شکل جمع: مصائب (خداوند)
اتاق محصور: اتاق بسته (حصار، محاصره)
+ مشابه: مسحور (جادوشده)
مامور دولتی: کارمند دولتی (أمرد امرکننده)
+ هم‌آورد: مأمور (آباد شده)
حد و حصر: اندازه (حصار، محصور) + شکل جمع: حدود
فخر و مباهات: نازیدن به چیزی + هم‌آورد: مباحث (کارهای شروع و جابج)
سپر کردن عرش: گردش در آسمان (سپار، سپر، سپاره)
عزیمت پادشاه: رفتن پادشاه (عازم) + هم‌آورد: غم‌خوار و اندوهگسار: هم‌معنی هستند
ایل و عشیره: طایفه + شکل جمع: ایلات و عشایر
چشمه‌های زلال: چشمه‌های پاک و شفاف (حلال و کهر و گزند: نام دو نوع اسب
سفره پرسخاوت: سفره پر نعمت و بخشش (سخی)
مواهب خداداد: بخشش‌های خداوندی + شکل مفرد: موهبت
بطالت و بیهودگی: هم‌معنی هستند (باطل)
+ شکل: باطل کننده
حقوق قضایی: حقوق مربوط به قضاوت (قاضی)
جمع و تفریق: جمع و منها کردن (افتراق جدایی)
زنبور طفیلی: زنبور مزاحم و سربار (طفیل وابسته)
توقلی و انتصاب: پیشرفت و ارتقا (مترقی)
غم‌خوار و اندوهگسار: هم‌معنی هستند

بسته دستور



۱ وابسته و وابسته ۲

۲ صفت صفت:

• برخی از صفت‌ها، صفت‌های همراه خود را بیشتر معرفی می‌کنند و درباره اندازه و درجه آن‌ها توضیح می‌دهند: که به آن‌ها «صفت صفت» می‌گویند.
این صفت با صفت همراه خود، یکجا وابسته هسته می‌شود.

رنگ سبز چمنی
هسته صفت صفت

لباسی آبی آسمانی
هسته صفت صفت

اسم + صفت + صفت

• صفت صفت بیشتر برای رنگ‌ها استفاده می‌شود.

۱ قید صفت:

• اگر بین هسته و صفت (ترکیب وصفی)، قید قرار گیرد آن را «قید صفت» می‌گویند که درباره اندازه و درجه صفت پس از خود توضیح می‌دهد.

ایران همیشه سربلند
هسته قید صفت

چهره زیبا - چهره بسیار زیبا
هسته قید صفت

۵ مثال‌های یاد بگیریم:

هوای نسبتاً پاک
هسته قید صفت

از دل ارگ مزینان
هسته جمله جمله

قلب آن کویر / هوای نسبتاً پاک
جمله جمله قید صفت

شاگرد حوزه ادبی
هسته جمله جمله

غربت زندان شهر
هسته جمله جمله

بهار حیات علمی
هسته صفت صفت جمله

تموز کویر لوت
هسته جمله جمله

قلب آن کویر
هسته صفت جمله

مرز عالم دیگر
هسته جمله صفت جمله

جمع‌بندی وابسته و وابسته:

واحد‌های وزن و شمارش و... معمولاً بین عدد و هسته	میز: دو جلد کتاب
صفت رنگها	صفت صفت: آسمان آبی روشن
صفت‌های قبل و بعد از مضافیه	صفت مضافیه: مؤلف این کتاب / کفش مرد ورزشکار
قیدی که وسط ترکیب وصفی می‌آید.	قید صفت: دختر خیلی فعال
سومین اسم و اسم‌های بعد از آن در یک گروه اسمی	مضافیه مضافیه: دوست برادر من

تیر خلاص 

اگر در یک گروه اسمی چند واژه با کسره به هم متصل شده باشند:

(۱) زیر اسم‌ها و ضمایر خط می‌کشیم.

بهترین کتاب تاریخ این ایران کهن من وطن پرست

(۲) اولین اسم، «هسته»، دومین اسم «مضافیه» و اسم سوم به بعد «مضافیه مضافیه» (وابسته وابسته) محسوب می‌شود.

کتاب تاریخ ایران من هسته مضافیه مضافیه مضافیه مضافیه مضافیه

(۳) کلماتی که قبل و بعد مضافیه قرار می‌گیرند و اسم نیستند (ویژگی یا صفت هستند)، «صفت مضافیه» به حساب می‌آیند.

این ایران کهن من وطن پرست صفت مضافیه صفت مضافیه صفت مضافیه

(۴) روش رسم نمودار:

هر صفت به اسم خودش وصل می‌شود و هر دو یک‌جا به اسم ماقبل خود:

بهترین کتاب تاریخ این ایران کهن من وطن پرست

ایران کهن من وطن پرست

کتاب تاریخ این ایران کهن

بهترین کتاب تاریخ

چند نکته دستوری مهم درس:

فلسفه به او آموخته بود که غوغا و تلاش و قریب حیات همه پوچ است.

جمله هسته وابسته‌ساز جمله وابسته

هنوز بر همان مهر و نشان است که بود و تاریخ بیهق از شاعران... تقوایش یاد می‌کند.

هسته وابسته‌ساز وابسته همپایه‌ساز جمله ساده

از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینه کویر سرازیر می‌شود و از دل ارگ مزینان سر بر می‌دارد.

جمله ساده همپایه‌ساز جمله ساده

آن شب نیز من خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و به نظاره آسمان رفته بودم.

جمله ساده همپایه‌ساز جمله ساده

این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس پر، ستارگان زیبا و خاموش، تک تک از غیب سر می‌زنند. ← ستارگان زیبا و خاموش: بدل

آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هرگاه مشت خونین... ← این نخلستان خاموش و پرمهتابی: بدل

ما را از غربت زندان شهر به میهن آزاد و دامن گسترمان، کویر می‌برد؟ نه، باز می‌گرداند... ← کویر: بدل

درختی که جوانی را به پایش ریخته بود و در آن هنگام که بهار... فرا رسیده بود، ناگهان منقلب شد.

مفعول منم مبالیه قید نهاد فعل قید مسند

نمی‌دانستم که تفنگ مشفی قشنگم را می‌گیرند و قلم به دستم می‌دهند. ← (جمله بعد از «نمی‌دانستم» مفعول محسوب می‌شود).

مفعول منم مبالیه مفعول

پدرم غصه می‌خورد. پیر و زمین‌گیر می‌شد. هر روز ضعیف و ناتوان‌تر می‌گشت.

نهاد مبالیه مفعول مسند معطوف به مسند قید مسند معطوف

پدرم لیسانم را قاب گرفت و بر دیوار گچ‌فروریخته اتاق‌مان آویخت و همه را به تماشا آورد.

نهاد مفعول منم صفت مبالیه مبالیه مفعول منم فعل

نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سلمانی! ← فعل (کرده از پایان عبارت حذف شد). (به قرینه لفظی)

بسته آرایه‌های ادبی



- لحظه‌ای که هر سال از نخستین دم بهار، بی صبرانه چشم به راهش بودیم ← **دم**: مجازاً لحظه، وقت.
- چشم‌ها را منتظر گذاشت و به دهی آمد که هرگز در انتظار آمدن چون او کسی نبود. ← **چشم‌ها**: مجازاً طرفداران.
- از آن است که ماوراءالطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید. ← **فلسفه**: مجازاً فیلسوف‌ها.
- نه که بخوابند، که نماشا کنند و از ستاره‌ها حرف بزنند. ← **حرف**: مجازاً سخن.
- دار و ندار ما هم اشتباهاً به دست حضرات دولتی و ملتی به یغما رفت. ← **دار و ندار**: مجازاً همه هستی.
- همان پدری که گله‌های رنگارنگ و ریز و درشت داشت و قرش‌های گران‌بهای چادرش زبازند **ایل** و قبیله بود. ← **ایل و قبیله**: مجازاً افراد ایل و قبیله.
- در آستانه میوه دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته بود و... بهار حیات علمی و اجتماعی‌اش فرارسید بود. ← **درخت**: استعاره از هدف.
- قندیل زیبای پروین سر زد و آن جاده روشن و خیال‌انگیزی که گویی یک راست به ابدیت می‌پیوندد... ← **جاده روشن و خیال‌انگیز**: استعاره از «کوکشان».
- در قلب آن کویر بی‌فرباد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست. ← **حلقوم چاه و قلب آن کویر بی‌فرباد**: تشخیص - استعاره کنایی.
- گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس‌پَر، از غیب سر می‌زنند. ← **دریا**: استعاره از «آسمان، مرغان الماس‌پَر: استعاره از ستاره‌ها».
- آن شب نیز ماه با نلانو پرشکوهش از راه رسید و گل‌های الماس شکفتند و قندیل زیبای پروین سر زد. ← **گل‌های الماس**: استعاره از ستاره‌ها.
- آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد. ← **باغ پر از گل‌های رنگین**: استعاره از «آسمان کویر».
- در **دامن معطر چمن‌ها** سفره‌های پرساخوت ایل را گسترده. ← **دامن معطر چمن‌ها**: استعاره کنایی - تشخیص.
- سرما را پشت سر گذاشتند و با آمدن فروردین، گرما را به گرمسیر سپردند و راه رفته را باز آمدند. ← **سپردن گرما به گرمسیر**: استعاره کنایی - تشخیص.
- لیسانس دانستم. لیسانس نمی‌گذاشت که در ایل بمانم. ← **لیسانس نمی‌گذاشت که در ایل بمانم**: استعاره کنایی - تشخیص.
- حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگ‌ریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد. ← **تلمیح دارد به آیه**: «یسبح له ما فی السموات و ما فی الارض» (هر آنچه در آسمان‌ها و هر آنچه در زمین است، خدا را تسبیح می‌گویند).
- نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی! ← **تلمیح به داستان تاریخی امیر سامانی که اطرافیان برای برگرداندن او به بخارا دست به دامن رودکی می‌شوند و او برای ترغیب امیر شعر بوی جوی مولیان آید هم...** را می‌سراید.
- ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که هم‌چون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فرباد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست. ← **تلمیح به گریه‌های حضرت علی (ع) بر سر چاه**.
- آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد ← **سموم سرد (باد گرم سرد)**: (تناقض).
- همه بی‌تصدیق بودند: به‌جز من. همه‌شان زندگی شیرین و دیرین را از سر گرفتند. ← **زندگی شیرین (حسن آمیزی)**.

↪ **کنایه‌های مهم درس**: سرسپردن (تسلیم شدن) • هم‌زانو (هم نشین) • لجن مال (بدنام و بی‌آبروشده) • پامان به ده باز بود. (به ده رفته‌ام داشتیم) • پاگیر (مقید)، دست و پاگیر شدن (باعث زحمت شدن) • چشم به راه (منتظر) • الماس‌پَر (درخشان) • آسفالت‌نشین (انسان‌های مرقه) • کلاه‌کش (انسان‌های فقیر و زحمت‌کش) • به سر بردن (گذراندن) • زیر دندان داشتن مژه چیزی (دلچسب و خوشمزه) • قند در دلم آب می‌شد. (خوشحال می‌شدم، ذوق می‌کردم) • قلم به دستم می‌دهند. (مرا به تحصیل وامی دارند) • چادر افراشتن (اقامت کردن) • جان‌قرسا (خسته‌کننده / کشنده) • حد و حصر نداشتن (بی حد و اندازه) • زبازند (مشهور) • اسم و رسم داشتن (مشهور بودن) • سفره رنگین (سفره‌ای پر از غذا) • بر سر سفره کسی نشستن (مهمان کسی شدن) • زمین‌گیر (درمانده، ناتوان) • دل خوشی (خوشحالی) • دل بستگی (محبت و دوستی) • خیال بافتن (تصور افکار بی‌اساس در ذهن) • سرگرم (مشغول) • بار سفر بستن (آماده سفر شدن) • سپردن گرما به سرما (کوچ به بیلاق) • دودل (شکاک) • سرگردان (حیران) • سر در گریبان (در اندیشه بودن از روی غم) • چشم پوشیدن (نادیده گرفتن، صرف‌نظر کردن، رها کردن) • کبک‌ها، خط و خال انداخته‌اند. (کبک‌ها بزرگ شده‌اند) • پشم گوسفندان را گل و گیاه رنگین کرده است (سرسبز بودن چراگاه‌ها) • آب خوش از گلوی کسی پایین نرفتن (آسایش و راحتی نداشتن) • پا به رکاب گذاشتن (آماده حرکت و سفر شدن) • پشت سر نهادن (گذراندن) • بال و پر گشودن (پرواز کردن / با شوق رهسپار شدن)

بسته معنی و مفهوم



کویر

- **محیط معنوی کویر** و از آن است که پیامبران همه از این‌جا برخاسته‌اند و به سوی شهرها و آبادی‌ها آمده‌اند.
- **همه پدیده‌ها در حال عبادت خدا** • حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگ‌ریزه‌هایش آیات وحی را بر لب دارند و زبان گویای خدا می‌شوند.
- **هنستند** • من نماز را وقتی می‌خوانم / که آذانش را باد، گفته باشد سر گلدسته سرو / من نماز مرا، پی «تکبیرة الاحرام» علف می‌خوانم...

نباید از خدا غافل شد، او در همه جا حضور دارد.

توصیف آسمان کویر

توصیف دردمندی‌های حضرت علی(ع) از مردم کوفه

نگاه به آسمان کویر و لذت بردن از زیبایی‌های آن

اشاره به نگاه غیرمادی و عاشقانه مردم کویر به پدیده‌های طبیعی

تغییر نگرش / نگویش نگاه مادی

تقابل احساس و عقل

روان خوانی - بوی جوی مولیان

تغییر در نوع زندگی

ناهمخوانی جسم و روح /

انجام کاری بدون رضایت قلبی

تنزل، پس رفت

یاد نیک از زادگاه

سختی هجران

تأثیر پیام / تأثیر سخن

لذت بخش بودن وصال

«در کویر خدا حضور دارد» این شهادت را یک نویسندهٔ آهل [رومانی داده است که...

■ آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پر مهتابی که هرگاه مشیت خونین و بی تاب قلبم را در زیر باران‌های غیبی سکونش می‌گیرم ...

■ ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم. ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که هم‌چون این شیعهٔ گمنام و غریبش، در کنار آن مدینهٔ پلید و در قلب آن کویر بی‌قربان، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست.

■ آن شب نیز من خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و به نظارهٔ آسمان رفته بودم: گرم تماشای و غرق در این دریای سبز معلقی که...

■ شگفتا که نگاه‌های لوکس مردم آسفالت‌نشین شهر، آن را کهکشان می‌بینند و دهانی‌های کاه‌کش کویر، شاهراه علی، راه کعبه...

■ چنین بود که هر سال که یک کلاس بالاتر می‌رفتم و به کویر برمی‌گشتم، از آن همه زیبایی‌ها و لذت‌ها و نشئه‌های سرشار از شعر و خیال و عظمت و شکوه و ابدیت پر از قدس و چهره‌های پر از ماوراء « محروم‌تر می‌شدم -

■ همه چشم در زمین که این‌جا... می‌توان چند حلقه چاه عمیق زد و... آن‌جا می‌شود چغندرکاری کرد...! و دیدارها همه بر خاک و سخن‌ها همه از خاک! که آن عالم پرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی روح شد...

■ و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی درد و بی دل پژمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم عددبین مصلحت اندیش آلود.

■ در کف‌ها کاسهٔ زیبایی، بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر ره می‌بر با پای دگر

■ نمی‌دانستم که اسب و زینم را می‌گیرند و پشت میز و نیمکت مدرسه‌ام می‌نشانند. نمی‌دانستم که تفنگ مشقی قشنگم را می‌گیرند و قلم به دستم می‌دهند.

■ از لطف و صفای یاران و دوستان دور افتادم. به تهران آمدم. با بدنم به تهران آمدم. ولی روحم در ایل ماند.

■ شاهین تیز بال اقق‌ها بودم. زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم.

■ پیوسته به یاد ایل و تبار بودم. روزی نبود که به فکر بیلاق نباشم و شبی نبود که آن آب و هوای بهشتی را در خواب نبینم. در ایل چادر داشتم: در شهر خاتمه نداشتم.

■ مادر چشمم به راه توست. آب خوش از گلویش پایین نمی‌رود.

■ نامهٔ برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی!

■ پا به رکاب گذاشتم و به سوی زندگی روان شدم. تهران را پشت سر نهادم و به‌سوی بخارا بال و پر گشودم. بخارای من ایل من بود.

تست‌های درس نهم

بستهٔ واژگان

۴۸۷. یکی از سه معنی کدام واژه نادرست است؟

- (۱) دلاویز (پسندیده، خوب، زیبا)
- (۲) بطالت (سرگرمی، بیهودگی، کاهلی)
- (۳) تاب (قوت، تحمل، طاقت)
- (۴) مدهوش (بی‌هوش، مست، حیران)

۴۸۸. معنی «بارزش - بخشش - کهنه - قوم و خویش - حد و حساب» به ترتیب مربوط به کدام واژه‌هاست؟

- (۱) نفیس - دهش - عتیق - ایل - حریم
- (۲) گران‌قدر - عطا - ابدی - خویش - حد و مرز
- (۳) گران‌قدر - سخاوت - دیرین - عشیره - حد و حصر
- (۴) نفیس - سختی - دیرینه - طایفه - حد و حصر

۴۸۹. واژه‌های مربوط به تعاریف زیر در کدام گزینه آمده است؟

«(این دهستان با قدمت هزاران ساله‌اش، از توابع شهرستان داورزن در خراسان رضوی است که خاستگاه خاندان بزرگ شریعتی است.)، (پایتخت کشور ترکمنستان)، (نام کوهی است در منطقه‌ای از استان اصفهان)، (نام رودی در خراسان قدیم)، (شهری مشهور در ماوراءالنهر)»

- (۱) مزینان - عشق‌آباد - کمانه - جیحون - بخارا
(۲) آستانه - تقلیس - دنا - آهو - توس
(۳) مزینان - دوشنبه - سهند - آمو - بخارا
(۴) آستانه - عشق‌آباد - علم‌کوه - جیحون - نیشابور

۴۹۰. معنی «در شب سیر کردن، تسلیم شدن، شوریده، حسابگر» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) اسرا - سرسپردن - منقلب - مصلحت‌اندیش
(۲) سلوک - سپر انداختن - شیدا - عددبین
(۳) اسرا - سرسپردگی - آشفته - عددبین
(۴) سلوک - سرسپردن - مجنون - مصلحت‌اندیش

۴۹۱. معنی چند واژه درست است؟

«(مشایعت: همراهی کردن)، (انگاره: خیال)، (مدرس: موضع درس گفتن)، (حکمت: فلسفه)، (ارادت: اخلاص)، (استشمام: بوییدن)، (تفرجگاه: گردشگاه)، (نظاره: نگریستن)، (تعبیر: نگرش)، (شوکت: هیبت)، (فخر: بالیدن)»

- (۱) هفت (۲) هشت (۳) شش (۴) نه

۴۹۲. معنی چند واژه درست است؟

«(طفیل: وابسته)، (قاش: کوهه زین)، (بن: پسته وحشی)، (محصور: احاطه کرده‌شده)، (هربت: دوری از وطن)، (دست و پاگیر: مقید)، (گیرودار: بحبوحه)، (تلاکو: فروزش)، (تلخیص: اجمال)، (خط و خال انداختن: زخمی کردن)»

- (۱) هشت (۲) نه (۳) هفت (۴) شش

۴۹۳. معنی چند واژه نادرست است؟

«(اهورایی: ایزدی)، (ماورا: فراسو)، (قندیل: چراغ)، (باب: دروازه)، (تقوا: ترس از خدا)، (غنی: توانگر)، (سرا: مکان)، (گلدسته: مأذنه)، (تکبیرة الاحرام: اولین تکبیر نماز)، (یغما: غارت)، (مباهات: افتخارات)، (قدس: صفا)، (سوموم: مواد کشنده)»

- (۱) سه (۲) یک (۳) دو (۴) چهار

۴۹۴. معنی مقابل چند واژه نادرست است؟

«(کهر: اسب زرد و بور)، (هدیث: دادگستری)، (اندوه‌گسار: هم‌گسار)، (پرنیان: نوهی حریر)، (آستانه: آغاز)، (تفنگ خفیف: اسلحه تمیزی)، (تبعید کردن: دور کردن از محل زندگی)، (خو گرفتن: آنس گرفتن)، (بیلاق: جای تابستانی)، (تهویه: هوادادن)، (مواهب: دهش)»

- (۱) سه (۲) دو (۳) چهار (۴) یک

۴۹۵. معنی مقابل چند واژه نادرست است؟

«(جوی مولیان: رودی و ناحیه‌ای مشهور در اطراف شهر بخارا)، (بهار خواب: ایوان برای خواب تابستان)، (هرفه: دکه)، (مدفون: به زمین سپرده)، (تموز: مردادماه)، (ملاط کردن: سرزنش کردن)، (گرده: پشت گردن)، (سردرگریان: غضبناک)، (تکاپو: جست‌وجو)، (کنج: زاویه)»

- (۱) سه (۲) یک (۳) چهار (۴) دو

بسته املا



۴۹۶. کدام عبارت، فاقد غلط املائی است؟

- (۱) از دوستی چنین کارآمده، مستقنی نتوانم بود.
(۲) مقادیر آسمانی میان دانا و مطالب او هایل است.
(۳) وقت آن است که باقی تعهد زمان خویش به ادا رسانم.
(۴) آن که گوید من از آرزوهای جسمانی فارغم، سخره هوا باشد.

۴۹۷. در کدام گروه کلمات، غلط املائی وجود ندارد؟

- (۱) سخره محکم، ترقی و انتصاب، افتراق و جدایی
(۲) بطالت و بیهوده‌گی، ایل و عشیره، عزیمت پادشاه
(۳) معمور و آباد، شیئه اسب، محضر اسرار
(۴) متلاکی و درخشان، حوضه فلسفه، درخت بلوط

۴۹۸. در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) جان و دل مرید را از شهوات ما و من
(۲) جز ز زلال بحر تو نیست یقین طهارتی
(۳) چو زور و زهره نباشد صلاح و اسب چه سود
(۴) چو دل دلی نماید جگر چه سود کند
(۵) چشم در سر به چه کار آید و جان در تن شخص
(۶) گر تأمل نکند صورت جان‌آسایت
(۷) به مفلسان که ز بازارشان نصیبی نیست
(۸) ز مخرن زر سلطان همی‌کشند زکات

۴۹۹. در نوشته زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«حتی و الیم است، رتوف و رحیم است، مرید و قدیر است، سمیع و بصیر است، متکلم و باقی است. علمش اندر وی حال نیست، قدرتش اندر وی صلابت نی. سمع و بصرش اندر وی متجدد نی. کلامش اندر وی تبعیض نی. همیشه با صفات خود قدیم، کل معلومات از علم وی بیرون نیست. موجودات را از ارادتش چاره نی. آن کند که خاسته است، آن خواهد که دانسته است. خلایق را بر اسرارش اشراف نی. حکمش همه حق، دوستانش را به جز تسلیم روی نه، امرش جمله حتم، مریدانش را به جز گذاردن فرمان چاره نی.»

- (۱) پنج (۲) سه (۳) دو (۴) چهار

۵۰۰. در متن زیر املای چند واژه نادرست است؟

دیگر آن که پند و حکمت و لغو و هزل به هم پیوست تا حکما برای استفادت آن را مطالعت کنند و نادانان برای افسانه خوانند و احداث متعلمان به ظن علم و مومظه نگردند و حفظ آن برایشان سبک خیزد و چون در حد کهولت رسند و در آن محفوظ تعقلی کنند صحیفه دل را پر فواید بینند و ناگاه بر ذخایر نفیس و گنج‌های شایگانی مظفر شوند.

(۱) چهار (۲) دو (۳) سه (۴) یک

بسته دستور



۵۰۱. در همه گزینه‌ها به جز قید صفت به کار رفته است.

(۱) کشتی‌گیر شمالی در شرایط تقریباً یکسان باخت.
(۲) می‌توان گفت هوای نسبتاً پر گرد و غباری بر شهر حاکم است.
(۳) آمادگی بسیار بالای ورزشکاران همه را به وجد آورد.
(۴) حجم وسیعی از صادرات کشورهای خاورمیانه نفت است.

۵۰۲. در همه گزینه‌ها به جز «صفت صفت» به کار رفته است.

(۱) هوای کاملاً گرم تابستانی / میوه رسیده باغ
(۲) بلوز سبز یشمی / دوست قدیمی پدر
(۳) کت قهوه‌ای سوخته / کفش ورزشی مهیار
(۴) اتومبیل سفید صدقی / دوچرخه سبک ژاپنی

۵۰۳. در کدام گزینه صفت، وابسته مضاف‌الیه شده است؟

(۱) کتاب‌های درسی جدید و پر بار مدارس
(۲) نخستین اثرگذاری شعر معاصر کشور ما
(۳) اشعار و آثار داستانی شاعران و نویسندگان ایران
(۴) سبک‌ها و مکاتب ادبی شاعران اروپا

(السنالی ۹۲)

۵۰۴. در کدام گزینه وابسته وابسته «صفت مضاف‌الیه» است؟

(۱) دستور زبان دوره دبیرستان، بر مبنای نظریه ساخت‌گرایی نوشته می‌شود.
(۲) آموزش هم‌زمان سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی طرح همه مسایل را آسان می‌سازد.
(۳) دستگاه‌هایی مثل ماشین تحریر و رایانه فاصله میان واژه‌ای را به‌طور دقیق مراعات می‌کنند.
(۴) انجام تمرین به یادگیری اساسی درس کمک می‌کند، شایسته است به تمرین زیاد دروس توجه شود.

(زبان ۹۵)

۵۰۵. «وابسته وابسته» در کدام گزینه «تماماً» صفت است؟

(۱) زلف مشکین دوست، پرواز دو کبوتر
(۲) قصه‌های شیرین زندگی، رخسار آتشین گل
(۳) اوج آسمان آبی، دیدن آخرین مهتاب
(۴) قریب عاشقان سوخته دل، برگ‌های زرد پاییز

(خراج ۹۵)

۵۰۶. «وابسته وابسته» در کدام مصراع «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» نیست؟

(۱) باید که نشان در میخانه بپرسی
(۲) اسرار دل سوخته پیدا نتوان کرد
(۳) پیش تو حدیث شب یلدا نتوان کرد
(۴) بی می، طلب آب رخ از ما نتوان کرد.

(زبان ۹۲)

۵۰۷. از میان وابسته‌های وابسته، در متن زیر چند «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» وجود دارد؟

تأثیر ادبیات عرب در ادب فارسی و نفوذ فرهنگ یونان در روم و با تأثیر ادبیات هندی در ایران، حاصل روابط فرهنگی و یا نتیجه تسلط نظامی است؛ به عبارت دیگر ادبیات ملل مختلف جهان در هم اثر می‌کنند و نوهی داد و ستد ادبی به وجود می‌آید و این داد و ستدها یکی از عوامل شکفتگی ادبیات جهان است.

(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۵۰۸. در میان گروه‌های اسمی «دو سیر زعفران، لباس خواهر بزرگ‌تر، بهترین دانش‌آموز کلاس، نخستین روز مدرسه، یک فروند هواپیمای جنگی، لباس نسبتاً نفیس، برجسته‌ترین شرکت‌کننده المپیاد ادبی، کتاب جغرافیای منطقه، آن داور بین‌المللی، چندمین روز پیاپی، زنگ در ساختمان، رنگ فرمز تند، چند گروه «وابسته وابسته» وجود دارد؟

(هنر ۹۱)

(۱) شش (۲) هفت (۳) هشت (۴) نه

۵۰۹. در عبارت «عطار نیشابوری، یکی از برجسته‌ترین شاعران زبان فارسی است که به درجه والایی از کمال معرفت دست یافت و آن‌چه را سنایی در آغاز کار از سرمایه‌های عرفانی به مرصع شعر فارسی وارد کرد با هنرمندی به کمال نسبی نزدیک ساخت»، چند «وابسته وابسته» به کار رفته است؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

(کلون فرهنگی آموزش)

۵۱۰. در همه ابیات «وابسته وابسته» به کار رفته است؛ به جز

(۱) چون نیفتد زلف مشکین سخن بر پای ما به مژگان زلف شب را عمرها پیموده‌ایم
(۲) دل خواجو شد و بر خاک درش کرد قرار خبری زان دل بی‌صبر و قرارم برسان
(۳) نهی صد دسته ریحان پیش بلبل نخواهد خاطرش جز نکهت گل
(۴) پرورده کدام بهار است این چمن کز بهر دیدنش نگه از هم کنیم وام

(هنر ۹۷)

۵۱۱. در کدام عبارت، «وابسته پیشین» و «وابسته وابسته»، یافت می‌شود؟

- ۱) اکبر، زمزمه‌کنان حرف می‌زد که درویش به صدای پای ما برگشت.
- ۲) گفت: ای آقا، هر کدام جان می‌کنند تا یک مشت گندم به کیسه فقیر بریزند.
- ۳) یا حق، آقا معلم، خوش آمدی. درویش، خاک پای هر چه آدم با کمال است. بفرما.
- ۴) گفت: نه آقا معلم، بدبخت‌ها نان ندارند: آقا رادیو می‌گوید شهر شده مانند شهر پریان.

(انسانی ۹۸)

۵۱۲. نوع وابسته وابسته در همه ابیات یکسان است؛ به جز:

- ۱) دیوانه قلمرو صحرای وحشتیم
- ۲) ای برق اگر به گوشه آن بام بگذری
- ۳) چون قضا سلسله زلف تو عالم‌گیر است
- ۴) ناز است سد راه و گرنه در اشتیاق

(زبان ۹۸)

۵۱۳. نمودار کدام گروه واژه، غلط است؟

- ۱) امتحانات بسیار فشرده رشته زبان
- ۲) بهترین معمار خوش ذوق عمارت عالی‌قاپو
- ۳) سه طاقه پارچه ابریشم بافت ایران
- ۴) دوستان نسبتاً مجرب گروه آموزشی

۵۱۴. نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«رویداد مهم دیگر این دوره، نشرو گسترش زبان فارسی در هندوستان و آسیای صغیر، و در حقیقت بیرون از ایران بود. زبان فارسی در پی لشکرکشی‌های متعدد محمود غزنوی، به هندوستان راه یافت و در اندک زمانی در میان هندوان نه تنها زبان سیاسی و نظامی، بلکه زبانی مقدس قلمداد گردید.»

- ۱) صفت صفت - صفت - صفت مضاف‌الیه - نهاد
- ۲) صفت صفت - قید - صفت مضاف الیه - مسند
- ۳) صفت - قید - صفت - مسند
- ۴) صفت - مسند - مضاف الیه - نهاد

(هنر ۹۷)

۵۱۵. جمله هسته (پایه) در کدام بیت از ساخت «نهاد + متمم + مفعول + فعل» تشکیل شده است؟

- ۱) از پری خانه چین باج ستاند قانون
- ۲) می‌زند تورش ما هر دو جهان را بر هم
- ۳) فتنه صد انجمن آتوب صد هنگامه‌ایم
- ۴) از باد خزان سرد نگردد دل گرمش

بسته آرایه‌های ادبی



۵۱۶. در کدام بیت شاعر از آرایه کنایه بهره نبرده است؟

- ۱) تا کی روم از عشق تو شوریده به هر سوی
- ۲) آنان که به گیسو دل عشاق ربودند
- ۳) تا عشق سرآشوب نو هم‌زانی ما شد
- ۴) عشق از دل سعدی به ملامت نتوان برد

۵۱۷. در کدام بیت آرایه اھراق به کار نرفته است؟

- ۱) در شب تاریک برداری نقاب از روی خویش
- ۲) جهان از فتنه و آشوب یک چندی بر آسودی
- ۳) ملک زین حکایت چنان بر شکفت
- ۴) رفتار تو راه، گر ملک از عرش ببیند

(ریاضی ۸۳)

۵۱۸. در کدام عبارت آرایه «متناقض‌نما» مشهود است؟

- ۱) شب کویر، این موجود زیبا و آسمانی که مردم شهر نمی‌شناسند، آن‌چه می‌شناسند، شب دیگری است.
- ۲) صدای سایش بال‌هایش تنها سخنی است که سکوت ابدی کویر را نشان می‌دهد و آن را ساکت‌تر می‌نماید.
- ۳) ماوراء الطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید.
- ۴) خیال - این تنها پرنده ناصرنی که آزاد و رها همه جا جولان دارد - سایه پروازش تنها سایه‌ای است که بر کویر می‌افتد.

۵۱۹. تعداد تشبیه در کدام گزینه بیشتر است؟

- ۱) گر نور عشق حق به دل و جانم اوفتد
- ۲) دست از من وجود چو مردان ره بشوی
- ۳) چه غم دیوار آفت را که دارد چون تو پشتبان
- ۴) آیینۀ نگاهت، پیوند صبح و ساحل

(خارج از کشور ۹۲)

۵۲۰. در همه عبارات‌ها به استثنای عبارت آرایه‌های تشبیه و پارادوکس، هر دو وجود دارد.

- ۱) صدای سایش بال‌های خیال، تنها سخنی است که سکوت ابدی کویر را نشان می‌دهد.
- ۲) کویر انتهای زمین است؛ پایان سرزمین حیات است در کویر گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم.
- ۳) شب کویر، این موجود زیبا و آسمانی شبی است که از بامداد آغاز می‌شود، شب کویر به وصف نمی‌آید.
- ۴) آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد.

۵۲۱. در کدام بیت همه آرایه‌های «جناس، تکرار، استعاره، به‌کار رفته است؟

- ۱) نگه می‌لفزد از رویش، خرد می‌لرزد از مویش
- ۲) برآورد از خمار بوی پیراهن عزیزان را
- ۳) به‌خود کرده‌است روی هر دو عالم چون صف‌مژگان
- ۴) نسیم صبح محشر غنچه خسبان را نینگیزد

(کانون فرهنگی آموزش)

۵۲۲. آرایه‌های برابر کدام گزینه غلط است؟

- ۱) در ترازویی که صبر عاشقان سنجیده‌اند
- ۲) چون به آگاهی رسیدی گفت و گوها محو کن
- ۳) از لب خامش زبان وامانده کام است و بس
- ۴) بر پر عنقا تو هر رنگی که می‌خواهی ببند

۵۲۳. آرایه نوشته‌شده در برابر کدام بیت نادرست است؟

- ۱) اسیر بند قضا رو گشاده می‌باید
- ۲) عنان نفس ز کف دادن از بصیرت نیست
- ۳) به قدر آنچه بود برگ نخل بیش از بار
- ۴) تو را چو مور از آن حرص در به در دارد

(السنلی ۹۷)

۵۲۴. آرایه‌های مقابل کدام بیت «همگی» درست است؟

- ۱) تا رقیب از لب او کامروا شد گفتم
- ۲) سزای من که دمی خرم از وصال شدم
- ۳) تا سرو پی بندگی قد تو برخاست
- ۴) گر جذبه محبت آتش به دل فروزد

(زبان ۹۶)

۵۲۵. آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- ای ز مژگان تو در چشم گلستان خارها
- ۱) تشبیه، پارادوکس، مراعات نظیر، تضاد
 - ۲) تشبیه، ایهام تناسب، کنایه، تشخیص، کنایه
 - ۳) تشبیه، پارادوکس، مراعات نظیر، تضاد
 - ۴) تشبیه، ایهام تناسب، کنایه، تشخیص، کنایه

(خارج از کشور ۹۶)

۵۲۶. آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه تماماً درست آمده است؟

- نیشکر با همه شیرینی اگر لب بگشایی
- ۱) استعاره، حس آمیزی، مجاز، حسن تعلیل
 - ۲) تشبیه، مجاز، حسن تعلیل، ایهام تناسب
 - ۳) تشبیه، مجاز، حسن تعلیل، ایهام تناسب
 - ۴) تشبیه، ایهام تناسب، کنایه، تشخیص، کنایه

۵۲۷. آرایه‌های «تناقض، تشخیص، حسن تعلیل، جناس، اسلوب معادله، به‌ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- الف) سبزه را افراخت قامت از نم فیض هوا
 - ب) تا فشانند واعظ بلبل گلاب موعظه
 - ج) گاه می‌خندد ز حکمش برق تابان قاه قاه
 - د) هر جایی بر لب دریا شود تبخالی‌ای
- ها گوشه‌گیران از حوادث در حصار راحتند

۱) د - ب - ج - الف - ه - ۲) ج - ه - الف - د - ب ۳) الف - د - ب - ه - ج ۴) ج - الف - ب - ه - د



۵۲۸. باتوجه به عبارت «آن شب، گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلقی که بر آن، مرغان العاس پر، زیبا و خاموش، تک تک از غیب سر می‌زنند...» منظور از «دریای سبز» و «مرغان العاس پر» به ترتیب کدام است؟

- (۱) آسمان، ستارگان (۲) شهر، چراغ‌ها (۳) دشت، گل‌ها (۴) درای، پرندگان

۵۲۹. باتوجه به متن زیر منظور از امام راستین کیست و مدینه پلید کدام است؟

«ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که هم‌چون این شیعه گمنام و غریبش در کنار آن مدینه پلید سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست.»

- (۱) امام علی(ع) - کوفه (۲) امام حسین(ع) - کربلا (۳) امام علی(ع) - یثرب (۴) حضرت مهدی(عج) - مدینه

۵۳۰. از عبارات «امسال که به کویر رفتیم دیگر سر به آسمان بر نکردم و همه چشمم در زمین که این‌جا ... می‌توان چند حلقه چاه عمیق زد و آن‌جا می‌شود چغندرکاری کرد» و دیدارها همه بر خاک و سخن‌ها همه از خاک! که آن عالم پرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی‌روح شد ساخته چند عنصر، کدام مفهوم، دریافت می‌شود؟

(آموزش و پرورش)

- (۱) دل‌بستگی به کویر (۲) عدم وابستگی به مادیات (۳) فراموش کردن عالم معنا (۴) دل‌تنگی از هجران یار

۵۳۱. باتوجه به متن زیر به سؤال پاسخ دهید.

«آن عالم پرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی‌روح شد ساخته چند عنصر و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها - که درونم را پر از خدا می‌کرد - به این علم همدبین مصلحت‌اندیش آلود، منظور از «عالم پرشگفتی»، چیست؟

- (۱) کویر (۲) خیال (۳) آسمان (۴) زمین

۵۳۲. عبارت «کلمات را کنار زبید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید، با همه ابیات زیر، به غیر از بیت ارتباط مفهومی دارد.»

(خارج از کشور ۸۶)

- (۱) جز این نیست پیدا که انسان دلیست
(۲) صورت زیبای ظاهر هیچ نیست
(۳) معنی طلب که بر در و دیوار صورت است
(۴) حق همی گوید نظرمان در دل است

۵۳۳. عبارت زیر با کدام بیت ارتباط مفهومی ندارد؟

(خارج از کشور ۸۷)

- «کلمات را کنار زبید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید»
(۱) من غلام نظر آصف عهدم کماو را
(۲) کف دریاست صورتهای عالم
(۳) اتحاد یار با یاران خوش است
(۴) هر که در بند صور باشد به معنی کی رسد؟

۵۳۴. دیدگاه منفی‌ای که از عبارت زیر دریافت می‌شود، از بیت کدام گزینه دریافت نمی‌شود؟

«و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم همد بین مصلحت‌اندیش آلود.»

- (۱) مرا کافر کند اندیشه رزق
(۲) زبان می‌کند مرد تفسیردان
(۳) چاکر نان پاره گشت قزل و ادب
(۴) قوت و قوت تن از آب است و نان

- تو را کافر کند علم کتابی
که علم و ادب می‌فروشد به نان
علم به مکر و به رزق معجون شد
نان جان، علم است و آبش عشق دان

۵۳۵. همه ابیات به جز با بیت زیر تناسب معنایی دارند.

- «تقدیر الهی چو پی سوختن ماست»
(۱) در رجم رزق مقدر یاقوت طفل بی‌زبان
(۲) بنشین که چو پروانه به گرد تو زند بال
(۳) گاه عرش و گاه کرسی گاه لوح و گاه قلم
(۴) به تش جهت چو از این هفت‌چرخ بوقلمون

- ما نیز بسازیم به تقدیر الهی،
هم‌چنان دل می‌تپد در سینه روزی‌خواره را
از روز ازل آنچه مقدر شده باشد
گه مقدر گاه مقدر نمی‌دانم کی‌ام
از آن‌چه هست مقدر نه کم شود نه زیاد

۵۵۱. هبارت، باید همزبان و کسانت را ترک گویی و به همان شهر بی‌مهر، به همان دیار بی‌دیار، به همان آسمان دود گرفته بازگردی و در دفتری یا اداره‌ی محبوس و مدفون شوی تا ترقی کنی، با کدام بیت متناسب است؟

(هنر ۸۵)

- ۱) طوطی روح تو را سدره نشیمن زبید
 - ۲) تا جهان هست به یاد تو برآریم نفس
 - ۳) گر تو را هست هنر عیب کسان باز مجوی
 - ۴) چون تو را رحلت از این دار فنا در پیش است
- بهر شکر مکنش بسته در این تیره قفس
ای دم گرم تو آتش زده در ناکس و کس
کلندریں ملک چون طاووس به کار است مگس
جهد کن تا همه نیکی تو گویند ز پس

۵۵۲. مفهوم کدام بیت در مفهوم کلی یا هبارت زیر تناسب دارد؟

روز و شب با فخر و مباهات، با شادی و فرور به تصدیق می‌نگریست و می‌گفت: «جان و مال و همه چیزم را از دست دادم ولی تصدیق پسرم به همه آن‌ها می‌ارزد.»

- ۱) ادب ز مردمک دیده می‌توان آموخت
 - ۲) علم لشکر ما از سر جان خاستن است
 - ۳) ز نور علم، صائب! شب شود از روز روشن‌تر
 - ۴) بلبلی را که به بی‌برگ و نوایی آموخت
- که ساکنند اگر هوشیار اگر مستند
زهرة کیست که گرده طرف لشکر ما؟
ندارد شمع حاجت هر که دانایی است همراهش
برگ گل ناخن الماس بود بر جگرش

۵۵۳. کدام بیت با سایر ابیات مفهوم مقابل دارد؟

- ۱) گرگ بودم میش گشتم تیر بودم بز شدم
 - ۲) اسباب حسرت تو سرانجام می‌دهد
 - ۳) بی‌طلعی که شکوه ندارد ز روزگار
 - ۴) تیر غران بودم اکنون روبه‌م
- اوقتادم مختصر زان بال و کوپال ای وزیر
گر روزگار سفله توانگر کند تو را
روز سیاه خویش شب عید می‌کند
سرو بستان بودم اکنون چنبرم

(خارج از کشور ۸۴)

۵۵۴. هبارت «شاهین تیزبال اقی‌ها بودم، زنبوری طفیلی شدم، با کدام بیت متناسب است؟

- ۱) من ملک بودم و فردوس برین جایم بود
 - ۲) من جلوة شباب ندیدم به عمر خویش
 - ۳) گدا شوند گر اهل طلب ز ننگ سؤال
 - ۴) پادشاهان و گدایان دو گره عجبند
- آدم آورد در این دیر خراب‌آبادم
از دیگگران حدیث جوانی شنیده‌ام
من از گدایی می‌خانه پادشاه شدم
که نبودند و نباشند به فرمان کسی

(خارج از کشور ۸۵)

۵۵۵. هبارت «شاهین تیزبال اقی‌ها بودم، زنبوری طفیلی شدم، با کدام بیت متناسب نیست؟

- ۱) همیشه نا برآید ماه و خورشید
 - ۲) یار شد اغیار و روزگار دگر شد
 - ۳) کوتاه گشت از همه جار شتة امید
 - ۴) دیروز بر آن بود که بازم بنوازد
- مرا باشد به وصل یار امید
روزی کافر مباد آن‌چه به ما شد
از بس که روزگار گره زد به کار من
امروز بر آن نیست که دیروز بر آن بود

(ریاضی ۹۶)

۵۵۶. هبارت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«شاهین تیزبال اقی‌ها بودم، زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم.»

- ۱) عنقا شکار کس نشود دام باز چین
 - ۲) عقاب جور گشاده است بال در همه شهر
 - ۳) اکنون به دام صد غم و صد محنتم اسیر
 - ۴) بس گل شکفته می‌شود این باغ را ولی
- آن‌جا همیشه باد به دست است دام را
کمان گوشه‌نشینی و تیر آهی نیست
آن مرغ خوش‌دلی که تو دیدی پرید و رفت
کس بی‌بلای خار نچیدست ازو گلی

بسته تاریخ ادبیات



۵۵۷. سراینده شعر زیر، کیست؟

در کنها کاسه زیبایی، / بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر / ره می‌بزی با پای دگر،

(۴) سلمان هراتی

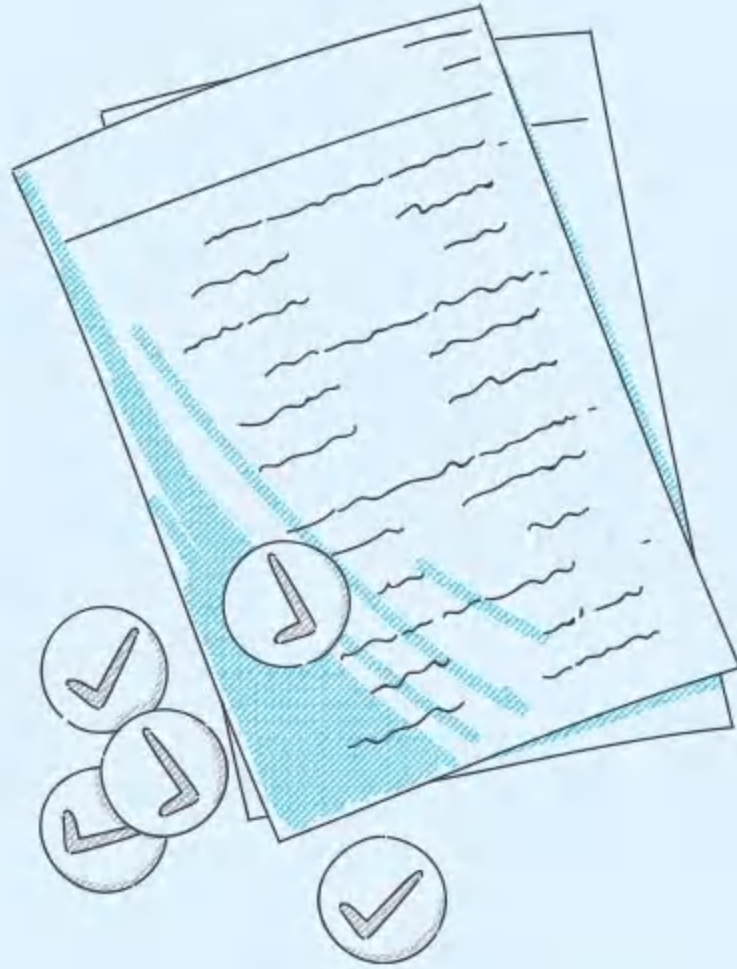
(۳) سهراب سپهری

(۲) حسین منزوی

(۱) قیصر امین پور



آزمون آنلاین همین فصل با
رمزینۀ مقابل رو اسکن کن.
برو به جنگ این آزمون؛
پاسخ بده، درصد بگیر، پیشرفت کن!



پاسخ نامہ تشریحی

۴۸۰. **گزینه ۱** مفهوم مشترک: نقش ضعیفان و رعیت در حفظ شهرها و مملکت.
 ۴۸۱. **گزینه ۴** مفهوم سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: مشخص شدن ارزش انسان‌ها در روز قیامت / گزینه ۲: منطبق بودن مرتبه انسان‌ها با ظرفیت آن‌ها / گزینه ۳: ارزش ثروت و قدرت مالی
 ۴۸۲. **گزینه ۳** در گزینه ۳ بیت اول: زندگی عاشقان در مردن در راه عشق است. بیت دوم: انسان مرده و مرد راه عشق، ترسی از مرگ ندارند از دورویی می‌ترسد
 گزینه ۱: جایگاه و منزلت والا را به راحتی خوار و خفیف نمی‌کند
 گزینه ۲: ارزش هر انسان به کلام و گفتار سنجیده اوست.
 گزینه ۴: ناپایداری دنیا.

۴۸۳. **گزینه ۱** در بیت اول شاعر برخلاف عبارت سؤال ناشکیبا است، اما در سایر ابیات، شاعر صبوری در امور و مشکلات را سرلوحه کار خود قرار داده است.

۴۸۴. **گزینه ۴** معنی و مفهوم بیت ۴: شاعر به ممدوح می‌گوید که تو مال و اموال زیاد نداری؛ زیرا شکر گزار نعمت‌های الهی هستی، یعنی شکر نعمت خدا سبب افزونی نعمت تو شده است.

مفهوم سایر ابیات: گزینه ۱: شاعر با تعجب از مسکین بی‌نوا می‌پرسد تو هیچ ننداری چرا شکرگزاری؟ / گزینه ۲: مدح ممدوح به دلیل خلق خوش لو. / گزینه ۳: خنده شیرین نطلبیده یار سبب تازگی دل می‌شود.

۴۸۵. **گزینه ۴** ارتباط ابیات با عبارت: گزینه ۱: کنم شکر نعمت معبود - بر مرکب شکر نشینم / گزینه ۲: جور می‌کند ایام و ما شکیباییم - چون بلایی پدید آید، بر مرکب صبر نشینم. / گزینه ۳: زهد و ریا دین را از بین می‌برد - بر مرکب اخلاص نشینم.

و پور واژه‌های اسب و رایش در گزینه ۴ نکته انحرافی تست است.

۴۸۶. **گزینه ۱** بیت ۱۱ از حبیب خراسانی است.

درس نهم

پایه دوازدهم

۴۸۷. **گزینه ۲** بطاعت (بیهودگی، بیکاری، کاهلی، تن‌پروری و-)
 ۴۸۸. **گزینه ۳** بالارزش (گران قدر) / بغشش (سخاوت) / کهنه (دیرین) / قوم و خویش (عشیره، قبیله، طایفه) / حدوحساب (حد و حصر)
 ۴۸۹. **گزینه ۱** مزنجان (دهی از توابع استان خراسان رضوی) / عشق‌آباد (پاینخت ترکمنستان) / کلمه (نام کوهی در اصفهان) / جیعون (رودی در خراسان قدیم) / بخارا (از شهرهای ماوراءالنهر (پاینخت سلمانیان))
 ۴۹۰. **گزینه ۱** معنی کل واژه‌ها: اسیر: در شب سیر کردن، سوره هفدهم قرآن / سر سپردن: تسلیم شدن، فرمان بردن / منقلب: دگرگون، شوریده، متحول، آشفته / مصلحت‌اندیش: حسابگر
 ۴۹۱. **گزینه ۴** معنی واژه‌های نادرست: انگاره (طرح، نقشه)، تعبیر (بیان کردن، شرح دادن، بازگویی)
 ۴۹۲. **گزینه ۲** معنی درست واژه: خط و خال ننداختن: رشد کردن
 ۴۹۳. **گزینه ۳** مبهات (افتخار، سرافرازی) / سموم (باد گرم و کشنده)
 ۴۹۴. **گزینه ۱** کهر: (اسب یا استری که به رنگ سرخ تیره است) / تنگ خفیف: (اسلحه سبک، تنگ کوچک) / مواهب: (بخشش‌ها، هدیه‌ها، موهبت‌ها)
 ۴۹۵. **گزینه ۳** سردرگریبان (غمگین و آشفته)، گرده (میان دو کتف، بالای کمر)، غرفه (بالا خانه، اتاق کوچک بالای سالن یا محوطه)، تموز (ماه گرما، تیرماه)
 ۴۹۶. **گزینه ۴** مستغنی - مستغنی (بی‌نیاز)، هابل - حایل (حد فاصل، جداکننده) زمان - ضمان (چیزی که بر عهده گرفته شده)
 ۴۹۷. **گزینه ۳** شکل درست واژه: صخره، بیهودگی، حوزه (قلمرو)
 ۴۹۸. **گزینه ۲** شکل درست واژه‌ها: سلاح (اسلحه)
 ۴۹۹. **گزینه ۲** شکل درست واژه‌ها: علیم (دانا)، خواسته (خواسته اوست)، گزاردن (اجرا کردن، انجام دادن)
 ۵۰۰. **گزینه ۲** شکل درست واژه‌ها: لهو (بازی و خموشی)، تأمل (اندیشه)

۵۰۱. **گزینه ۴** در گزینه ۴، قید صفت به کار نرفته است.
 شرح گزینه‌ها: گزینه ۱: شرایط تقریباً یکسان (هسته + قید صفت + صفت)
 گزینه ۲: هوای نسبتاً پرگرد و غبار (هسته + قید صفت + صفت)
 گزینه ۳: آمادگی بسیار بالا (هسته + قید صفت + صفت)
 ۵۰۲. **گزینه ۱** هوا (هسته) کاملاً (قید صفت) گرم (صفت) تابستانی (صفت) رسیده صفت میوه و باغ هم مضاف‌الیه میوه است.

نکته زبانی

بی‌درپی آمدن صفت‌ها برای یک اسم «صفت صفت» محسوب نمی‌شود، بلکه همگی صفت برای هسته به حساب می‌آیند (تعدد صفت)

مثال: بسر باهوش درس‌خوان جدی (سه صفت برای یک هسته)
 هسته صفت صفت صفت

شرح سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: بلوز (هسته) سبز (صفت) بشمی (صفت صفت) چون در مورد رنگ سبز توضیح می‌دهد قدیمی صفت دوست و پدر مضاف‌الیه دوست است.
 گزینه ۳: کت (هسته) قهوه‌ای (صفت) سوخته (صفت صفت) / ورزشی، صفت کفش و مپیاز مضاف‌الیه کفش است.
 گزینه ۴: اتومبیل (هسته) سفید (صفت) صدفی (صفت صفت) / سبک، صفت دوچرخه و زاپتی هم صفت دوچرخه است.
 ۵۰۳. **گزینه ۲** نخستین (صفت پیشین) اثرگذاری (هسته) شعر (مضاف‌الیه) معاصر (صفت مضاف‌الیه) کشور (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) ما (مضاف‌الیه مضاف‌الیه). فقط در گزینه ۲ واژه «معاصر» صفت مضاف‌الیه است.
 شرح سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: کتاب‌ها (هسته) درسی (صفت) جدید (صفت) پربار (صفت که معطوف شده است) مدارس (مضاف‌الیه) / گزینه ۳: اشعار (هسته) و آثار (هسته) داستانی (صفت) شاعران (مضاف‌الیه) و نویسندگان (مضاف‌الیه که معطوف شده) ایران (مضاف‌الیه مضاف‌الیه). / گزینه ۴: سبک‌ها (هسته) و مکاتب (هسته) ادبی (صفت) شاعران (مضاف‌الیه) اروپا (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

۵۰۴. **گزینه ۲** آموزش هم‌زمان سه زبان فارسی
 آموزش (هسته) هم‌زمان (صفت) سه (صفت مضاف‌الیه) زبان (مضاف‌الیه) فارسی (صفت مضاف‌الیه)

۵۰۵. **گزینه ۳** اوج آسمان آبی: صفت مضاف‌الیه از نوع پسین است.
 هسته مضاف‌الیه صفت مضاف‌الیه

دیدن آخرین مهتاب: آخرین صفت ترتیبی شاعری از نوع پیشین است.
 هسته صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه

- بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: زلف مشکین دوست - هسته + صفت + مضاف‌الیه (وابسته وابسته ندارد) / پرواز دو کبوتر - هسته + صفت مضاف‌الیه + مضاف‌الیه / گزینه ۲: قصه‌های شیرین زندگی - هسته + صفت + مضاف‌الیه / رخسار آتشین گل - هسته + صفت + مضاف‌الیه (وابسته وابسته ندارد) / گزینه ۳: فریاد عاشقان سوخته دل - هسته + مضاف‌الیه + صفت مضاف‌الیه / برگ‌های زرد پاییز - هسته + مضاف‌الیه + صفت + مضاف‌الیه (وابسته وابسته ندارد)
 ۵۰۶. **گزینه ۲** اسرار (هسته) دل (مضاف‌الیه) سوخته (صفت مضاف‌الیه)

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه ۱: نشان در میخانه (هسته + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه مضاف‌الیه)
 گزینه ۳: حدیث شب یلدا (هسته + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه مضاف‌الیه)
 گزینه ۴: طلب آب زخ (هسته + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

نکته زبانی

برای یافتن (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) حداقل سه اسم باید در کنار هم قرار گیرند که به ترتیب مضاف، مضاف‌الیه، مضاف‌الیه مضاف‌الیه محسوب می‌شوند.

۵۰۷. **گزینه ۲**

تأثیر ادبیات عرب: هسته + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه مضاف‌الیه (۱ مورد)

سایر بیت‌ها: گزینه ۱: نور عشق: اضافه تشبیهی، عشق مانند نور روشنی بخش است.
گزینه ۲: دیوار اُمت: اضافه تشبیهی، اُمت به دیوار تشبیه شده است.

گزینه ۳: آینه نگاه: اضافه تشبیهی، نگاه مانند آینه / بگذرد به صبح تشبیه شده است.

۵۲۰. **گزینه ۲** تشبیه: بال‌های خیال / پارادوکس: صدای سایش بال‌ها باعث سکوت می‌شود / (البته بال‌های خیال، اضافه استعاره‌ای است) / گزینه ۳: تشبیه: شیب کویر به موجود زیبا / شبی که از بامداد آغاز می‌شود تناقض (پارادوکس) دارد /

گزینه ۴: تشبیه شعر و خیال به باغ / پارادوکس: سموم (باد گرم) سرد دارند. / استعاره لغزیدن نگاه (استعاره کنایه)

۵۲۱. **گزینه ۱** جناس: می‌لفزد، می‌ارزد / رو و مو / تکرار: رو - مو هر دو تکرار دارند. / استعاره لغزیدن نگاه (استعاره کنایه)

۵۲۲. **گزینه ۲** اسلوب معادله دارد (چون در مصراع دوم مصداق و مثالی برای مفهوم مصراع اول ذکر شده است) / ایهام ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه ۱: کوه و عدس: تضاد / کوه اندازه عدس هم سنگینی نداشته باشد: اغراق.

گزینه ۲: این که اشیایه مانند دام شود: تشبیه / «دام» و «کام»: جناس
گزینه ۳: آینه هستی: تشبیه / واج آرایی «ره» و «س»

۵۲۳. **گزینه ۴** آرایه‌های سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: کنایه: روگشاده (خوش‌رو) / گردن دادن (تسلیم شدن)
گزینه ۲: اسلوب معادله / گزینه ۳: شبکه معنایی: برگ، نخل، بار

۵۲۴. **گزینه ۳** بررسی آرایه‌های ادبی در گزینه‌ها:
گزینه ۱: معنی بیت: همین که رقیب به او رسید، با خودم گفتم که انگشتر حضرت سلیمان به دست اهریمن افتاد.

نکته ادبی در اسلوب معادله، لازم است هر مصراع کامل و مستقل باشد، اگر در مصراع اول حرف ربطی (موجود یا محذوف) وجود داشته باشد که باعث شود مصراع دوم ادامه و کامل کننده مصراع اول باشد، معمولاً اسلوب معادله نیست، دیگر این که در اسلوب معادله، باید یک مصراع مصداق و مثالی باشد برای مصراع دیگر.

کتابه: مصراع دوم (تسلط و حکومت) / اسلوب معادله: ندارد. / گزینه ۲: معنی بیت: من که از وصال دمی خرم شدم، عشق هزار مرتبه از غم جدایی سزای من را داد. / ایهام: ندارد / مجاز: ندارد.

نکته ادبی اگر «دم» به معنی «سخن» باشد، مجاز از آن است؛ اما اگر به معنای «حلقه، اوایل و نفس» باشد، معنای لغوی آن است، پس مجاز نیست.

گزینه ۳: معنی بیت: به این دلیل که سرو به بندگی تو اقدام کرد، سرنوشت او را از محنت‌ها رها کرده است. حسن تعلیل دارد: چون علت سربیزی همیشگی سرو در بندگی یار دانسته شده است.

تشبیه: «بند محن» (محنت‌ها به بند و زنجیر تشبیه شده است).
گزینه ۴: معنی بیت: اگر شعله محبت در دل روشن شود، می‌توان هوا و هوس‌ها را دور ریخت. / استعاره: ندارد. / تضاد: ندارد (هوا) به معنی «باد» نیست که با آتش تضاد داشته باشد).

۵۲۵. **گزینه ۲** تشبیه: مزگان مانند خارها / ایهام: تناسب: سودا ۱- عشق و خیال ۲- خرید و فروش، که در این معنی، با واژه‌های «بازار» تناسب دارد. / کنایه: افتاده (کنایه از ناتوان شدن) / تشخیص: چشم گلستان.

۵۲۶. **گزینه ۲** استعاره: انگشت خاییدن نیشکر (جان‌بخشی) / حس آمیزی: نطق شکرین / نغمه حروف: تکرار صامت «ش» و مصوت «ی» / کنایه: انگشت

نمود فرهنگ یونان: هسته + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه (مورد ۱)

ادبیات ملل مختلف جهان: هسته + مضاف‌الیه - صفت مضاف‌الیه + مضاف‌الیه مضاف‌الیه (مورد ۱)

عوامل شکستگی ادبیات جهان: هسته + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه مضاف‌الیه + مضاف‌الیه مضاف‌الیه (مورد ۲)

۵۰۸. **گزینه ۳** دو سیر زعفران / لباس خواهر بزرگ‌تر / یک فروند هواپیما، لباس

نسبتاً نفیس / شرکت‌کننده المپیک ادبی / کتاب جغرافیای منطقه / رنگ در ساختمان،

رنگ قرمز تند

۵۰۹. **گزینه ۲** عطار نیشابوری، یکی از برجسته‌ترین شاعران زبان فارسی است که به درجه والایی از کمال معرفت دست یافت و آن‌چه را ستایی در آغاز کار از سرمایه‌های عرفانی به عرصه شعر فارسی وارد کرد با هنرمندی به کمال نسبی نزدیک ساخت.

۵۱۰. **گزینه ۱** زلف: (هسته) / مشکین: صفت (وابسته) / سخن: مضاف‌الیه (وابسته) / تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: خاک: (هسته) / در: (مضاف‌الیه) / ش (او): مضاف‌الیه مضاف‌الیه

گزینه ۳: ریحان: هسته / صد: صفت (وابسته هسته) / دسته: (متمم) / وابسته و وابسته

گزینه ۴: پرورده: (هسته) / کدام: (صفت مضاف‌الیه) / بهار: (مضاف‌الیه)

۵۱۱. **گزینه ۳** وابسته پیشین: آقا معلم (آقا: شاخص)، وابسته وابسته: خاک (هسته) + با (مضاف‌الیه) + آدم (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) + با کمال (صفت مضاف‌الیه)

سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: صدای پای ما (ما: مضاف‌الیه مضاف‌الیه)، وابسته پیشین ندارد.

گزینه ۲: یک مشت گندم (مشت: متمم)، وابسته پیشین ندارد.

گزینه ۳: آقا معلم (آقا: شاخص) / وابسته پیشین، وابسته وابسته ندارد.

۵۱۲. **گزینه ۲** تشریح گزینه‌ها: گزینه ۱: دیوانه قلمرو صحرائی وحشت (مورد ۲) / م. البه مالیه / گزینه ۲: گوشه آن بام (صفت م. البه) / گزینه ۳: سلسله زلف تو (مالیه مالیه) / حلقه زلف تو (مالیه م. البه) / گزینه ۴: میانه دل ما (مالیه مالیه)

۵۱۳. **گزینه ۴** نسبتاً قید صفت (مجزب) است و نمودارش باید برعکس باشد.

نسبتاً مجرب

۵۱۴. **گزینه ۳** دیگر: نقش صفت برای رویداد را دارد. / بیرون: قید / متعدد: صفت برای لشکرکشی هاست / زبان مقدس: مسند است زیرا / قلمداد گردید: معادل محسوب گردید و اسنادی است.

۵۱۵. **گزینه ۱** جمله هسته: فانوس از بری خائنه چین باج ستاند

نهاد متمم مفعول فعل

۵۱۶. **گزینه ۱** کنایه‌ها: گزینه ۲: دل ربودن (عاشق کردن) / دریای فتادن (ناتوانی) / گزینه ۳: هم زانو شدن (هم‌نشین شدن) / گزینه ۴: رنگ از رخ هندو بردن (انجام دادن کار غیرممکن)

۵۱۷. **گزینه ۳** شرح بیت‌ها: گزینه ۱: اغراق در چهره پر نور یار / گزینه ۲: تأثیر فتنه‌انگیزی چشم یار که موجب آشوب جهان می‌شود / گزینه ۳: اغراق در فرشته خصلی یار که حتی فرشتگان به او ابزار ارادت می‌کنند.

۵۱۸. **گزینه ۲** سخنی است که سکوت ... را نشان می‌دهد: تناقض دارد.

۵۱۹. **گزینه ۲** مس وجود: اضافه تشبیهی، وجود مانند مس کم‌ارزش است / چو مردان ره / کیمیای عشق: اضافه تشبیهی، عشق به کیمیا تشبیه شده است / زرشوی: مانند زر شوی (چهار تشبیه دارد).

خابیدن (کنابه از تعجب کردن)

۵۲۷. (گزینۀ ۱) تناقض (د): هر شبمی (آب) کار شرار (جرقه آتش) می کند.

تشخیص (ب): گلاب فشاندن لبل / زبان سوسن / اعتذار سوسن

حسن تعلیل (ج): شاعر علت ظهور برق (رعدوبرق) را حکم ممنوع می داند و علت بارش قطرات باران از ابر را ترس از ممنوع خود می داند.

جناس (الف): افراخت و افروخت (ناهمسان) / نم و دم (ناهمسان)

اسلوب معادله (ه): مصراع دوم معادلی برای مصراع اول است.

۵۲۸. (گزینۀ ۱) دریای سبز استعاره از آسمان است و در اشعار قدیمی ها نیز، آسمان، سبز توصیف شده است. / مرغان الماس پر: استعاره از ستارگان

۵۲۹. (گزینۀ ۱) امام راستین: حضرت علی (ع) / هدینۀ پلید: شهر کوفه

۵۳۰. (گزینۀ ۳) آسمان جنبۀ معنوی دارد و زمین در این جا توجه به مادیات است.

۵۳۱. (گزینۀ ۳) باغ استعاره از آسمان و گل های رنگین همان ستارگان هستند.

۵۳۲. (گزینۀ ۱) مفهوم متن سؤال و سه بیت ۲ و ۳ و ۴ برداختن به معنی و پرهیز از صورت و ظاهر پرستی است. در حالی که بیت ۱ به ارزش دل در انسان توجه دارد.

۵۳۳. (گزینۀ ۱) در بیت ۱ شاعر به مدح و ستایش ممدوح خود پرداخته است. مفهوم متن و سایر بیت ها، توجه به معنی و پرهیز از صورت است.

۵۳۴. (گزینۀ ۴) مفهوم بیت ۴: برتری عشق بر علم

مفهوم عبارت: آموختن علم اقتصاد، دیدگاه نویسنده را مادی و اقتصادی کرده است و معتقد است که علم و تکنولوژی احساس را از بین می برد!

در ۳ گزینۀ نیز دیدگاه منفی وجود دارد: گزینۀ ۱: علم کتابی ناستوده است. / گزینۀ ۲: به دنبال نان بودن سبب زیان است. / گزینۀ ۳: آلودگی فضل و علم و ادب به رزق و زرق.

۵۳۵. (گزینۀ ۳) مفهوم بیت ۳: تحیر و سرگشتگی شاعر

مفهوم سایر ابیات: اعتقاد به تقدیر الهی

مفهوم و معنی ابیات: بیت سؤال: وقتی تقدیر الهی بنا بر سوختن ما گذاشته است، ما آن را می پذیریم.

بیت ۱: با آن که مخلوق می بیند که رزق و روزی طفل داخل شکم مادر مقرر شده است، چرا دلهره روزی دارد؟! / بیت ۲: آرام بنشین که هر چه تقدیر توست به سراغت می آید / بیت ۴: تقدیر نه کم می شود، نه زیاد.

۵۳۶. (گزینۀ ۲) در متن، نویسنده کویر را خاستگاه پیامبران دانسته است. همین اشاره در گزینۀ دوم نیز وجود دارد: آتیا را به صحرا می آورم.

مفهوم سایر ابیات: گزینۀ ۱: تعریف و تمجید پیامبر (ص) / گزینۀ ۲: شرایط سخت حال و روز شاعر / گزینۀ ۳: شکوه و انتقاد از اهل حکمت

۵۳۷. (گزینۀ ۳) از نظر گردآوردندگان کتاب درسی، مقصود دکتر شریعتی از عبارت «درختش، غارش...» تسبیح گوئی موجودات بوده است، به همین دلیل قطعی از شعر سهراب را که در آن تسبیح گوئی همه موجودات آمده است، آورده اند!

۵۳۸. (گزینۀ ۳) در عبارت سؤال، حضرت علی (ع) از بی همدمی و تنهایی، درد خود را به چه می گفتند. این بی همدمی در بیت سوم هم دیده می شود.

معنی بیت ۲: اگر از همدم و همراه خبری بود، انگشت ها جدا جدا آفریده نمی شدند! یعنی انگشتان یک دست هم باهم موافق و همراه نیستند.

۵۳۹. (گزینۀ ۲) در گزینۀ دوم به «سختی راه عشق» اشاره شده است.

مفهوم سایر گزینه ها: تقابل عقل و عشق

۵۴۰. (گزینۀ ۲) مفهوم مشترک: تقابل عقل و عشق و بیت سؤال بیانگر این موضوع است که عقل به نگرش معنوی و احساس انسان لطمه وارد می کند.

۵۴۱. (گزینۀ ۳) مفهوم مشترک: عشق، گفتنی و آموختنی نیست.

در گزینۀ ۳، به «رازداری در عشق» اشاره شده است.

۵۴۲. (گزینۀ ۲) از توصیف آسمان به نخلستان خاموش و ... متوجه برتری عنصر خیال می شویم.

۵۴۳. (گزینۀ ۳) مفهوم مشترک: همه موجودات در حال ستایش خدا هستند.

۵۴۴. (گزینۀ ۳) مفهوم مشترک: از نگاه معنوی به نگاه مادی رسیدن.

۵۴۵. (گزینۀ ۳) مفهوم مشترک: تحت تأثیر فرار گرفتن و شتاب کردن است.

۵۴۶. (گزینۀ ۳) پیام بیت ۳: دل بستگی به وطن هرگز از دل نمی رود.

۵۴۷. (گزینۀ ۱) در بیت ۱۱ شاعر می گوید: روزهای سختی سیری شد و خوشی فرا رسید، در حالی که سه بیت دیگر بیانگر درد فراق و جدایی از یارودیار است.

۵۴۸. (گزینۀ ۲) معنی بیت ۲: تو هم چون شاهین، بلندبروزی و جایگاه تو عالم معناست، چرا در این ویرانه ها (دنیای مادی) ساکن شدی. که با متن سؤال ارتباط معنایی بیشتری دارد.

شرح سایر بیت ها: گزینۀ ۱: وقتی در شرایط سخت مرگ قرار بگیری، از دوست و بیگانه کاری بر نمی آید و کسی تو را نجات نخواهد داد. / گزینۀ ۳: مخالفت و دشمنی روزگار با خردمندان. / گزینۀ ۴: به محبت روزگار مغرور نباش، چرا که او تنها به انسان های پست توجه می کند و برای تو دام می گسترند.

۵۴۹. (گزینۀ ۲) شاعر در همه بیت ها از غربت به خوبی یاد می کند، ولی در بیت ۲ به نکوهش غربت می پردازد.

۵۵۰. (گزینۀ ۲) شاعر در بیت ۲: غربت را مایه ترفی خود می داند ولی متن سؤال بالعکس است.

۵۵۱. (گزینۀ ۱) متن سؤال: ترک ایل و گرفتار شدن در شهر

گزینۀ اول: اسیر کردن روح بهشتی انسانی در دنیای مادی

پیام مشترک: از دست دادن موقعیت عالی و گرفتار شدن در موقعیت بد.

۵۵۲. (گزینۀ ۳) گزینۀ ۳: بیانگر ارزش علم است که با متن متناسب است.

شرح سایر بیت ها: گزینۀ ۱: توصیه به ادب / گزینۀ ۲: از جان گذشتگی ما موجب قدرت سپاه ما می شود. / گزینۀ ۴: رفاه و آسایش برای انسان سختی کشیده معنی و مفهومی ندارد.

۵۵۳. (گزینۀ ۳) همه بیت ها، اشاره به ذلت و بدبختی دارد، ولی بیت ۳ مفهوم متضاد دارد.

۵۵۴. (گزینۀ ۱) متن سؤال بیانگر این امر است که از اصل و مبدأ خود دور افتادم و بی ارزش و ناتوان شدم و در بیت ۱، نیز می گوید جایگاه من بهشت بود ولی حالا در این دنیای مادی اسیر شدم از این حیث با یکدیگر تناسب دارند.

پیام مشترک: از دست دادن موقعیت عالی و گرفتار شدن در موقعیت بد.

۵۵۵. (گزینۀ ۱) بیت گزینۀ ۱، بیانگر امیدواری شاعر به وصال معشوق است و هیچ ارتباطی با سایر بیت ها ندارد.

مفهوم مشترک: شکایت بمخاطر، از دست دادن موقعیت خوب گذشته و گرفتار شدن

۵۵۶. (گزینۀ ۳) مفهوم مشترک بین صورت سؤال و گزینۀ ۳: از اوج سربلندی و عزت به خواری و محنت گرفتار شدن است.

گزینۀ ۱: بزرگان در دام ناکسان گرفتار نمی شوند.

گزینۀ ۲: ظلم و ستم همه جا حاکم است و امیدی برای دفع آن نیست.

گزینۀ ۴: دست یابی به خوشی ها و لذت های دنیا بدون رنج و سختی ممکن نیست (هرجا که گل است، خار هم هست).

۵۵۷. (گزینۀ ۳) سراینده این بیت «سهراب سپهری» است.

بیت‌ها و عبارت‌های حفظی (کارگاه متن‌پژوهی)

سعدی (۲۲ سروده)

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
گسر ذوق نیست تسو را کژطبع جانوری
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
کاین زمانم گوش بر چنگلست و دل در چنگ نیست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
تا نباشد در پس دیوار، گوش
سخنی ز عشق گویند و در او اثر نباشد
گاهی شود بهار دگر که خزان شود
شرط عقل است جستن از درها
و قبا رتسا عذاب النار
اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد
ای برادر، سیرت زیبا بیار
قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام
کاین همه بیداد شبان می‌کند
هر جا که تویی نفع آنجاست
که تنها و یارانم اندر کمند
بینوایی به از مذلت خواست
به غیر مصلحتش رهبری کند ایام
من در میان جمع و دلم جای دیگر است
وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای
خجیل شد چو پهنای دریا بدید
گسر او هست حقا که من نیستم
در نیستی کوفت تا هست شد

۱ ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
۲ آشنی به شعر عرب در حالت است و طرب
۳ ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز
۴ با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
۵ به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
۶ پشت دیوار آنچه گویی، هوش‌دار
۷ چه وجود نقش دیوار و چه آدمی که با او
۸ دوران روزگار به ما بگذرد بسی
۹ رزق هر چند بی‌گمان برسد
۱۰ زینهار از قرین بد، زینهار
۱۱ سخن گفته دگر باز نباید به دهن
۱۲ صورت زیبای ظاهر هیچ نیست
۱۳ کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید
۱۴ گلّه ما را گلّه از گمرگ نیست
۱۵ ما را سر باغ و بوستان نیست
۱۶ مروت نینم رهایی ز بند
۱۷ نانم افزود و آبرویم کاست
۱۸ هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست
۱۹ هرگز وجود حاضر غایب شنیدم‌ای؟
۲۰ هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی بر کشد
یکی قطره باران ز ابری چکید
۲۱ که جایی که دریاست من کیستم؟
بلندی از آن یاقوت کاو پست شد
۲۲ هنر، چشمه زاینده است و دولت پاینده

حافظ (۱۴ سروده)

در حضرت کریم، تمنا چه حاجت است؟
پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سرور
روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمن
هر کسی بر حسب فکسر گمانی دارد
من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم
در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست
بگو بسوز که بر من به برگ کلهی نیست
قطره باران ما گوهر یکدانه شد
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید
گفتمت چون در حدیثی گرتوانی گوش داشت
دل بر دلدار رقت، جان بر جانانه شد
که دراز است ره مقصد و من نوسفرم
کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است

۱ ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست
۲ با محتسبیم عیب مگویند که او نیز
۳ تا نگریدی آشنا زین پرده رمزی نشنوی
۴ چنین قفس نه سزای چومن خوش‌الحانی است
۵ در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز
۶ دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی
۷ زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست
۸ زمانه گسر بزند آتشم به خرمن عمر
۹ گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت
۱۰ گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد
۱۱ گوش کن پند، ای پسر، وز بهر دنیا غم مخور
۱۲ منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
۱۳ همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس
۱۴ یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب

سؤالات کنکور ۱۴۰۰

سؤالات کنکور سراسری ریاضی ۱۴۰۰

۱. معنی واژه‌های (مفتاح - نمط - اوان - برزن) به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟
 الف) در کوی نیکنامی ما را گذر ندادند
 ب) دهای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است
 ج) وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی
 د) تو بندگی جو گدایان به شرط مزد مکن
 ۱) ب - د - الف - ج ۲) ب - د - ج - الف
 ۳) د - ب - الف - ج ۴) ج - ب - د - الف
۲. معنی چند واژه درست است؟
 (راهوار: خوش حرکت و تندرو) (بار هام: شرف یابی همگانی) (منگر: ناباور) (عصیان: تند و فرز) (مسحور: مفتون) (یغور: بلند قامت) (اختلاف: رفت و آمد) (خند: گونه) (ملول: آزرده) (سو: دیده) (ارگ: دژ)
 ۱) چهار ۲) پنج ۳) شش ۴) هفت
۳. با توجه به واژه‌های زیر معنی واژه‌های «فرد» در کدام مورد «همگی» درست است؟
 صواب، باز بسته، سریر، قرض، شوزه، تاب، معجز، ارغنده
 ۱) شکوه و عظمت، روسری، نیکویی، پرتو ۲) تخت، سربند، درست، فروغ
 ۳) تخت پادشاهی، دستار، ضروری، خشمگین
 ۴) اورنگ، سرپوش، پسندیده، غضبناک
۴. در متن زیر چند «غلط املائی» وجود دارد؟
 «ایمن نتوان بود که ساعت به ساعت به وبال آن مبتلا گردی و طبعت آن به تو رسد. و هیچ کس از وحوش تو را در آن معذور ندارد. و در تخلص تو از آن، منونت و مظاهرهت روا نبیند و همه بر کشتن تو یک کلمه شوند.»
 ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار
۵. در کدام بیت «غلط املائی» به چشم می‌خورد؟
 ۱) جاه است و غدر و منفعه آن را که طمع نه
 ۲) از سر کوی حقیقت برمگرد راه عشق
 ۳) هر که از علم صدق جست، ببرد
 ۴) بدین خوی سترگ و چشم بی‌شرم
۶. در کدام عبارت «غلط املائی» وجود دارد؟
 ۱) خورش خانه را به دست خوالیگران مشفق کارآزموده سپردند.
 ۲) مرد خطاکار به سوگندی بلیغ و ضمنی وثیق وی را به خانه آورد.
 ۳) از شمول معدلت و عموم مرحمت او روی به وطن معلوف باز نهادم.
 ۴) فلان نعمتی بی‌قیاس دارد اگر به حاجت تو واقف شود در قضای آن توقف روا ندارد.
۷. سراینده کدام ابیات درست معرفی شده‌اند؟
 الف) تعلیم ز آزه گیر در امر معاش
 ب) خدمت حق کن به هر مقام که باشی
 ج) بر در بغت بد فرود آید
 د) چون بسی ابلیس آدم روی هست
 ۱) الف - ب ۲) الف - ج
۸. آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست هستند، به جز:
 ۱) مخور ز چهره گلگون گل قریب جمال
 ۲) اگر دو هفته بود چهره گلستان سرخ
 ۳) چراغ دل ز جگر گوشه می‌شود روشن
 ۴) به گریه سائل اگر روی خود کند رنگین
- که در مقام جلال است رخت شاهان سرخ (جناس، ایهام)
 مدام از می لعلی است روی جانان سرخ (مجاز، استعاره)
 بود ز لعل لب او رخ بدخشان سرخ (استعاره، تشبیه)
 از آن به است که گردد به ابر احسان سرخ (جناس، تشبیه)